

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	فصل اول: مقدمه و مبانی نظری
۲	۱- مقدمه
۳	۱-۱- خودپنداره
۶	۱-۲- تأثیر خانواده بر شکل‌گیری خودپنداره
۹	۱-۳- مدل مدور ترکیبی السون
۱۵	۱-۴- اهمیت موضوع
۱۶	۱-۵- بیان مسأله
۱۷	۱-۶- سؤالات تحقیق
۱۸	فصل دوم: پیشینه تحقیق
۱۹	۲- پیشینه تحقیق
۱۹	۲-۱- عوامل موثر بر رشد و شکل‌گیری خودپنداره
۲۲	۲-۲- تأثیر خانواده بر رشد خودپنداره
۲۴	۲-۳- خودپنداره و کنش‌های خانواده
۲۷	۲-۴- خودپنداره و جنسیت
۲۹	فصل سوم: روش تحقیق
۳۰	۳- روش تحقیق
۳۰	۳-۱- جامعه و نمونه آماری
۳۱	۳-۲- ابزارهای اندازه‌گیری
۳۴	۳-۳- طرح تحقیق و روش‌های آماری
۳۵	فصل چهارم: نتایج

صفحه	عنوان
۳۶	۴- یافته‌ها
۳۶	۴-۱- نتایج توصیفی متغیرها
۳۷	۴-۲- آزمون سؤالات تحقیق
	۴-۲-۱- بررسی تعامل جنسیت، سطوح انعطاف‌پذیری و سطوح
۳۷	انسجام خانواده بر نمره‌ی کل خودپنداره
	۴-۲-۲- بررسی تعامل جنسیت، سطوح انعطاف‌پذیری و سطوح
۴۰	انسجام خانوادگی بر نمره خودپنداره‌ی تحصیلی
	۴-۲-۳- بررسی تعامل جنسیت، سطوح انعطاف‌پذیری و سطوح انسجام
۴۳	خانوادگی بر نمره خودپنداره‌ی ورزشی
	۴-۲-۴- بررسی تعامل جنسیت، سطوح انعطاف‌پذیری و سطوح انسجام
۴۶	خانوادگی بر نمره‌ی خودپنداره‌ی اجتماعی
	۴-۲-۵- بررسی تعامل جنسیت، سطوح انعطاف‌پذیری و سطوح انسجام
۴۹	خانوادگی بر نمره خودپنداره‌ی ارزشی
	۴-۲-۶- مقایسه‌ی اهمیت انسجام و انعطاف‌پذیری در تأثیر بر خود
۵۲	پنداره‌ی کلی
۵۳	فصل پنجم: تفسیر نتایج
۵۴	۵- بحث و بررسی یافته‌ها
۶۳	۵-۱- پیشنهادها
۶۵	منابع

فهرست جداول

صفحه

جدول

۳۱	جدول (۳-۱) چگونگی توزیع گروه نمونه
۳۶	جدول (۴-۱) ماتریس همبستگی برای کلیه متغیرها
۳۷	جدول (۴-۲) میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش
	جدول (۴-۳) میانگین و انحراف معیار کل خودپنداره بر حسب جنسیت، سطوح
۳۸	انعطاف پذیری و انسجام خانواده
	جدول (۴-۴) تحلیل واریانس سه طرفه کل خودپنداره بر حسب جنسیت، سطوح
۳۸	انعطاف پذیری و سطوح انسجام خانواده
	جدول (۴-۵) میانگین و انحراف معیار نمره خود پنداره تحصیلی براساس جنسیت
۴۱	سطوح انعطاف و انسجام خانواده
	جدول ۴-۶ تحلیل واریانس سه طرفه برای نمره خودپنداره‌ی تحصیلی براساس
۴۱	جنسیت، سطوح انعطاف پذیری و سطوح انسجام خانواده
	جدول (۴-۷) میانگین و انحراف معیار نمره خودپنداره‌ی ورزشی براساس جنسیت،
۴۴	سطوح انعطاف پذیری و سطوح انسجام خانواده
	جدول (۴-۸) تحلیل واریانس سه طرفه برای نمره خودپنداره‌ی ورزشی براساس
۴۴	جنسیت، سطوح انعطاف پذیری و سطوح انسجام خانواده
	جدول (۴-۹) میانگین و انحراف معیار نمره خودپنداره‌ی اجتماعی براساس جنسیت
۴۷	سطوح انعطاف پذیری و سطوح انسجام خانواده
	جدول (۴-۱۰) تحلیل واریانس سه طرفه برای نمره خودپنداره‌ی اجتماعی براساس
۴۷	جنسیت سطوح انعطاف پذیری و سطوح انسجام خانواده

جدول (۴-۱۱)	تحلیل واریانس سه طرفه برای نمره خودپنداره‌ی ارزشی براساس جنسیت، سطوح انعطاف‌پذیری و سطوح انسجام خانواده	۴۹
جدول (۴-۱۲)	میانگین و انحراف معیار نمره خودپنداره‌ی ارزشی براساس جنسیت، سطوح انعطاف‌پذیری و سطوح انسجام خانواده	۵۰
جدول (۴-۱۳)	نتایج تحلیل رگرسیون همزمان برای بررسی قدرت پیش‌بینی‌کنندگی ابعاد انسجام و انعطاف‌پذیری درباره‌ی خودپنداره کلی	۵۲

فهرست نمودارها

صفحه	نمودار
۷	نمودار (۱-۱) مدل نظری مرحله‌ای بلسکای و همکاران
۱۱	نمودار (۲-۱) پیوستار انسجام خانواده
۱۳	نمودار (۳-۱) پیوستار انعطاف‌پذیری خانواده
۱۳	نمودار (۴-۱) مدل مدور ترکیبی اقتباس از السون

فصل اول

مقدمه و مبانی نظری تحقیق

۱- مقدمه

شاید نخستین رویکرد علمی درباره‌ی "خود" به نظریات "ویلیام جیمز"^۱، روان‌شناس آمریکایی، برگردد (بامیستر^۲، ۱۹۹۹ به نقل از دوران، ۱۳۸۳). جیمز مطالعاتش را درباره مفهوم خود، از سال ۱۸۹۲ شروع کرد، ماهیت خود را شرح داد و به تفاوت ما بین "خود فاعلی"^۳ و "خود مفعولی"^۴ اشاره کرد. از زمان ویلیام جیمز (۱۸۹۰) خودپنداره^۵ جایگاه خاصی را در تحقیقات روان‌شناسی به خود اختصاص داده است؛ وی اعتقاد داشت که انسان‌ها می‌توانند زندگی خودشان را توسط تصویرهای ذهنی‌شان عوض کنند. به عبارتی دیگر، اگر کسی تصاویر ذهنی‌اش را تغییر دهد در آن صورت خواهد توانست شخصیتش را دگرگون سازد. فروید^۶، اریک فروم^۷ و کارل راجرز^۸ تئوری‌های مهمی را در زمینه‌ی خودپنداره ارائه داده‌اند. به نظر می‌رسد که صاحبان مکاتب مختلف در بحث ساختار خودپنداره به توافق نسبی رسیده‌اند و در دنیای روان‌شناسی هم تعریف قطعی و هم ماهیت قابل سنجش، خودپنداره را پذیرفته‌اند و بر نقش

1- W. James

2- Boumeister

3- I

4- Me

5- Self Concept

6- Freud

7- Erich Fromm

8- Carl Rogers

خودپنداره به عنوان تعیین کننده‌ی اساسی رفتارها صحنه گذارده‌اند (لندو^۱ ۱۹۷۲). چرا که پندار فرد از خودش تا اندازه‌ای تصور او را راجع به محیطش تعیین می‌کند.

۱-۱- خودپنداره

برای خودپنداره تعاریف متعدد و تقریباً مشابهی ارائه شده است، از این رو به ذکر چند نمونه از آن اکتفا می‌کنیم. «خودپنداره چیزی نیست جز نظام ارزش‌های فرد که به صورت قضاوت‌های شخصی نمایان می‌شود و شخص از طریق همان قضاوت‌های شخصی، گرایش‌های خودش را نشان می‌دهد. خودپنداره بوسیله تجربیات ذهنی و انتزاعی تشکیل می‌یابد ولی بعدها، شخص آن را از طریق رفتارهای کلامی یا هر نوع رفتار دیگری که نمود ظاهری داشته باشد به دیگران عرضه می‌دارد» (کوپراسمیت و استانلی^۲، ۱۹۸۳). ویلیام جیمز (۱۸۹۳) اعتقاد دارد که خودپنداره از ارتباط خود ایده‌ال و خود ادراک شده ایجاد می‌شود. و همچنین تعریف کولیز^۳ (۱۹۰۲ به نقل از برک، ۲۰۰۱) از خودپنداره، عبارت است از تعمیم واکنش‌های دیگران نسبت به خودمان.

گیج و برلاینر^۴ (۱۹۷۵) خودپنداره را به صورت مجموعه‌ای از ادراکات و نگرش‌هایی که نسبت به خود داریم و اینکه چگونه خود را توصیف می‌کنیم بیان می‌کنند. در مورد بوجود آمدن خودپنداره شیولسون و بویلز^۵ (۱۹۸۳) به نقل از روحانی، (۱۳۵۹) معتقدند ادراکات فرد از

1- Landau

2- Stanley, Cooper Smith

3- Cooley's

4- Gage and Berliner

5- Shivelson and Bolus

خود است و از طریق تجربه در محیط، تعامل با دیگران و اسنادهای رفتاری مربوط به خودش حاصل می‌شود.

و بالاخره به عقیده لورا ای. برک^۱ (۲۰۰۱) خودپنداره، مجموعه صفات، توانایی‌ها، نگرش‌ها و ارزش‌هایی است که فرد به آنها باور دارد و توصیف کننده‌ی او می‌باشد.

با توجه به تعاریف ارائه شده، خودپنداره مجموعه‌ای از افکار و عواطف است که سبب آگاهی فرد از موجودیت خود می‌شود، خود دنیای درون شخص است و شامل تمام ادراکات، عواطف، ارزشها و طرز فکر او می‌باشد. تصویری که فرد از خود دارد مسلماً برای او اهمیت حیاتی داشته و سعی دارد که این تصویر را حفظ کند. رفتار خودآگاه فرد ناشی از ادراک است و ادراک، خود نیز مبتنی بر مفروضات انسان درباره محیط و محرک‌های خارجی می‌باشد.

خودپنداره ممکن است به جای مفهوم عزت نفس به کار برده شود؛ اما این دو مفاهیمی متفاوت هستند؛ منظور از عزت نفس ارزشیابی کلی از خود می‌باشد. این اصطلاح همچنین بیانگر "خود ارزشمندی"^۲ و "تصور خود"^۳ نیز می‌باشد. به طور مثال یک نوجوان ممکن است خود را فردی بسیار مثبت ارزیابی نماید، اما خودپنداره به موضوع نحوه‌ی ارزشیابی فرد از خود در موقعیت‌های خاص اشاره دارد به طور مثال ارزشیابی فرد از خود در موقعیت‌های ورزشی، و یا آموزشی نشانگر خودپنداره‌ی ورزشی و تحصیلی او می‌باشد (سن تراک^۴، ۲۰۰۱ به نقل از سامانی، ۱۳۸۳).

بعضی از محققان خودپنداره را به صورت پدیده‌ای یک بعدی (کلی) نگریسته‌اند که کلمن، فالتز^۵ (۱۹۸۲) و گیچ و برلینر (۱۹۷۵) از آن جمله‌اند. در حالیکه در پژوهش‌های دیگری اعتقاد

1- Laurae. Berk

2- Self- Worth

3- Self-Image

4- Santrock

5- Kolman and Fultes

بر آن است که پدیده پیچیده خودپنداره را نمی‌توان به صورت دیدگاه یک بعدی و کلی مورد مطالعه قرار داد.

بیرنز و شیولسون^۱ (۱۹۸۶) و همچنین هوچ و مک شفری^۲ (۱۹۹۱) در تحقیق خود نشان دادند که خودپنداره دارای اجزا مستقل است؛ آنان تواناییهای تحصیلی^۳، اجتماعی^۴ و ظاهری را از اجزاء اصلی موجود در خودپنداره فرد می‌دانند. دیدگاه هارتر^۵ (۱۹۸۲) نسبت به خودپنداره نیز یک دیدگاه چند بعدی است؛ وی معتقد است که اجزاء خودپنداره با بالا رفتن سن قابلیت تفکیک بیشتری پیدا می‌کند.

بالاخره منداگلیوووپییریت^۶ (۱۹۹۵) خودپنداره را بر اساس چهار بعد مورد بررسی قرار می‌دهند. این ابعاد عبارتند از:

۱- خودپنداره‌ی تحصیلی^۷ (درک و نگرشی که فرد در زمینه تحصیلی نسبت به خود

دارد).

۲- خودپنداره‌ی اجتماعی^۸ «درک و نگرشی که فرد در زمینه تعاملات اجتماعی نسبت

به خود دارد».

۳- خودپنداره‌ی ورزشی^۹ «درک و نگرشی که فرد در زمینه ورزشی و بازی‌ها نسبت به

خود دارد»

۴- خودپنداره‌ی ارزشی^{۱۰} «درک و نگرشی که فرد برای خود قائل است، به طور مثال فرد

درکی که از خود دارد این است که آدم خوبی است». در دیدگاه آنان خودپنداره بر اساس سه

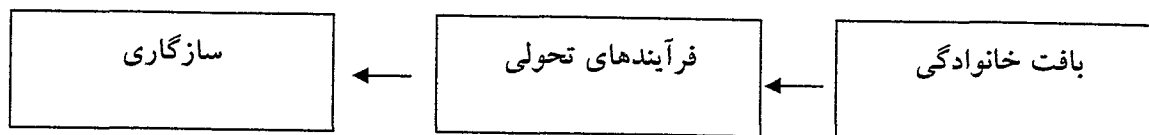
1- Birnez and Shavelson
2- Hoch and Makshefri
3- Academic
4- Social
5- Harter
6- Manda Gliue and Pearet
7- Academic Self-Concept
8- Social Self-Concept
9- Athletic Self-Concept
10- Evaluative Self-Concept

نظریه تبیین گردیده است که این سه نظریه عبارتند از: برداشت بازتابی^۱، (کولی، ۱۹۰۲؛ مید، ۱۹۳۴ و سالیوان، ۱۹۵۳) یعنی بازخوردی که فرد از افراد مهم زندگی دریافت می‌کند بر خودپنداره او اثر تعیین‌کننده‌ای دارد. (به نقل از منداگلیو و پی ریت، ۱۹۹۵). مقایسه اجتماعی^۲ (فستینگر^۳، ۱۹۵۴)، یعنی تلقی افراد از توانایی، رفتار یا عملکردشان در مقایسه با دیگران شکل گرفته می‌شود. (به نقل از منداگلیو و پی ریت، ۱۹۹۵). و دیدگاه اسناد^۴ (کلی^۵، ۱۹۶۷)، یعنی همچنان که افراد از طریق مشاهده رفتار دیگران متوجه خصیصه‌های آنان می‌شوند، از طریق مشاهده خود نیز پی به ویژگی‌های خویش می‌برند (به نقل از منداگلیو و پی ریت، ۱۹۹۵).

۱-۲- تأثیر خانواده بر شکل‌گیری خودپنداره

از جمله عواملی که فرآیند تحول روانی هر فرد را از بدو تولد تحت تأثیر قرار می‌دهد، عامل کنش‌های خانوادگی است؛ در این ارتباط می‌توان مدل بلسکای، استنبرگ و دراپر^۶ (۱۹۹۱) را مطرح کرد؛ در این مدل متغیرهای مربوط به بافت خانوادگی^۷، مقدم بر فرآیندهای تحولی در کودکان و نوجوانان و نوع سازگاری و نحوه انطباق قرار می‌گیرد. مدل بلسکای و همکاران (۱۹۹۱) بطور خلاصه شامل سه مرحله می‌باشد که این مراحل عبارت است از: ۱- بافت خانوادگی ۲- فرآیندهای تحولی رفتاری، هیجانی و شناختی در فرد و ۳- نحوه سازگاری (نمودار ۱-۱)

1- Reflected Appraisals
2- Social Comparison
3- Festinger
4- Attribution
5- Kelly
6- Belsky, Steinberg and Draper
7- Family Context



نمودار (۱-۱) مدل نظری مرحله‌ای بلسکای و همکاران (۱۹۹۱)

تأکید اصلی بلسکای و همکاران بر مجموعه تأثیرات متغیرها و عوامل مربوط به بافت خانواده بر فرآیندهای روانی و رفتارهای فرد می‌باشد به این صورت که بافت و نظام موجود در خانواده عامل تعیین‌کننده فرآیندهای تحولی است و همچنین شکل و نحوه سازگاری فرد را تعیین می‌کند. بلسکای و همکاران (۱۹۹۱) در خصوص بافت و نظام موجود در خانواده بویژه بر نوع روابط میان زن و شوهر و سبک‌های فرزند پروری تأکید دارند (به نقل از سامانی، ۱۳۸۱). علاوه بر مدل بلسکای (۱۹۹۱) تئوری سیستمی بوم شناختی^۱ به طور گسترده‌تری عوامل مؤثر بر رشد را بررسی می‌نماید.

بعضی از مطالعات بر تأثیر مستقیم و تعاملی بافت خانوادگی بر میزان رشد و سازگاری فرد اشاره دارد این موضوع به‌ویژه در مطالعات برونفن‌برنر^۲ (۱۹۸۶ و ۱۹۷۹)، بسیار مشهود است. وی بنیانگذار رویکرد جدیدی در مورد رشد انسان است. این رویکرد چشم‌اندازی متفاوت از تأثیر عوامل بافتی بر رشد انسان ارائه می‌دهد. نظریه سیستم‌های بوم شناختی، شخص را به صورتی در نظر می‌گیرد که در سیستمی پیچیده از روابط رشد می‌کند که این سیستم دارای چندین لایه می‌باشد. از آنجایی که آمادگی زیستی کودک برای شکل دادن به رشد به کمک نیروهای محیطی می‌پیوندد، برونفن‌برنر (۱۹۹۸) دیدگاه خود را به صورت الگوی زیستی-بوم شناختی^۳ توصیف نمود (برونفن‌برنر، موریس^۴ ۱۹۹۸؛ به نقل از برک، ۲۰۰۱).

^۱ - Ecological Systems Theory

^۲ - Bronfen Brenner

^۳ - Bioecological Model

^۴ - Urie Bronfen Brenner and Mores

برونفن برنر(۱۹۹۸) از مجسم کردن محیط به صورت یک رشته ساختارهای آشیانه‌ای که خانه، مدرسه، محله و محیط کار که افراد هر روز زندگی خود را در آنها سپری می‌کند، فراتر رفت و این دیدگاه را گسترش داد. در نظریه سیستم‌های بوم شناختی هر لایه محیط به گونه‌ای در نظر گرفته شده است که تأثیر قدرتمندی بر رشد دارد. برونفن برنر(۱۹۹۸) در رویکرد خود قائل به چهار نوع سیستم مختلف مؤثر بر رشد می‌باشد که این سیستم‌ها عبارت است از:

(۱) ریز سیستم^۱: عمیق‌ترین سطح محیط، ریز سیستم است که به فعالیت‌ها و الگوهای تعامل در نزدیکترین محیط فرد اشاره دارد و به طور کلی بر روابط بین فرد در حال رشد و محیط نزدیک مربوط می‌شود.

(۲) میان سیستم^۲: به روابط بین محیط‌های نزدیک مربوط می‌شود. یعنی بر ارتباط بین ریز سیستم‌ها اشاره دارد که رشد را تقویت می‌کنند.

(۳) برون سیستم^۳: به محیط‌های اجتماعی مربوط می‌شود که بر تجربه‌های فرد تأثیر گذار هستند ولی بطور مستقیم فرد در حال رشد را در بر نمی‌گیرد.

(۴) کلان سیستم^۴: به ارزش‌ها، قوانین، سنتها و امکانات فرهنگی مربوط می‌شود که بر فعالیت‌ها و تعامل‌های تمام لایه‌های درونی تأثیر می‌گذارد. در این مدل روابط به صورت دو طرفه در نظر گرفته می‌شود، لذا خانواده هم به طور مستقیم و هم غیر مستقیم بر رشد فرد اثر گذار است. یکی از نظریاتی که با دیدگاهی سیستمی خانواده را مورد بررسی قرار داده آلسون^۵(۱۹۹۳) است که در ادامه به این نظریه خواهیم پرداخت.

^۱- Micro System

^۲- Meso System

^۳- Exo System

^۴- Macro System

^۵- Olson

۱-۳-مدل مدور ترکیبی السون^۱

السون (۱۹۹۳) مدل خود را در مورد خانواده بر اساس تئوری سیستم مطرح نمود: وی خانواده را در قالب سه بعد بررسی می‌نماید و در واقع این مدل پلی ارتباطی بین تحقیقات و نظریه‌ها با عمل است (السون، ۱۹۸۷). مدل مدور ترکیبی السون با انواع مختلف تئوری‌های خانواده و رویکردهای خانواده‌درمانی مرتبط است. و مخصوصاً برای ارزیابی کلینیکی و درمانهای خانواده و زناشویی طراحی شده است (السون ۱۹۹۹). ابعاد مدل مدور ترکیبی السون عبارتند از:

الف) انسجام خانوادگی^۲ (ب) انعطاف‌پذیری خانواده^۳ (ج) ارتباطات در خانواده^۴

این سه بعد در برگیرنده حدود ۵۰ مفهوم درباره خانواده، تعاملات و روابط و ... است که بوسیله نظریه پردازان و درمانگران مختلف ارائه شده است.

الف) انسجام خانوادگی: به نظر السون (۱۹۹۳) انسجام خانوادگی، پیوند و تعهد عاطفی است که اعضای خانواده نسبت به همدیگر دارند و شامل مؤلفه‌هایی از قبیل رابطه عاطفی، تعامل خانوادگی، روابط پدر و مادر، رابطه فرزند و والدین، میزان تعامل به لحاظ زمان و مکان، نوع دوست و علائق و نهایتاً به نحوه گذران اوقات فراغت می‌باشد.

لینگرن^۵ (۱۹۸۲) انسجام خانوادگی را به صورت احساس نزدیکی عاطفی با افراد دیگر تعریف می‌کند، از نظر او دو کیفیت مربوط به انسجام خانوادگی عبارتند از: **تعهد و وقت گذراندن با همدیگر.**

1- Olsons Circumplex Model
2- Family Cohesion
3- Family Flexibility
4- Family Communication
5- Lingren

تعهد: تعهد به معنی تمایل به صرف وقت و انرژی برای خانواده و عدم تداخل مسؤولیتهای شغلی و غیره با خانواده، که باعث می‌گردد فرد مدت زیادی از تعاملات خانوادگی دور بماند افراد مراقب و مواظب همدیگرند و این را در رفتار و صحبت‌هایشان نشان می‌دهند. در صورت بالا بودن انسجام خانوادگی، اعضای خانواده پیشرفت، شادی و رفاه همدیگر را می‌خواهند و اگر یکی از اعضای خانواده گرفتار مشکلی شود بقیه اعضا حاضرند برای رفع آن مشکل کار کنند(هربرت لینگرن، ۱۹۸۲).

السون (۱۹۹۹)، بارنس والسون (۱۹۸۵) در مورد بعد انسجام خانوادگی قائل به چهار سطح مختلف‌اند، از انسجام خانوادگی کم تا انسجام خانوادگی زیاد.

این سطوح عبارتند از: ۱. رها شده^۱ ۲. جدا^۲ ۳. مرتبط^۳ ۴. گرفتار^۴

سطح رها شده: این سطح پایین‌ترین درجه انسجام خانوادگی را دارد. در این سطح از خانواده، هر عضو برای خودش کار می‌کند و هیچ‌گونه دلبستگی و همکاری در خانواده وجود ندارد. اعضای خانواده از لحاظ عاطفی مستقل هستند و اغلب، اعضای کارهای خودشان را انجام می‌دهند. علایق اعضای جدا است و از همدیگر حمایت و مسأله‌گشایی نمی‌خواهند.

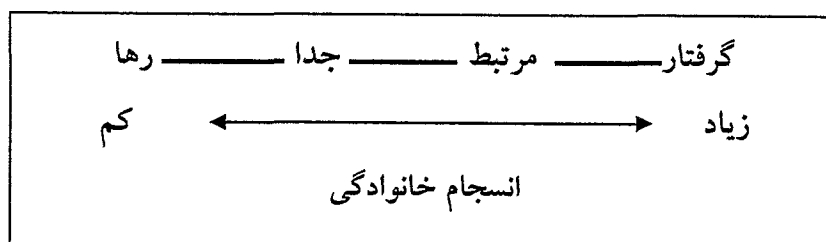
سطح جدا: در این سطح انسجام خانوادگی متوسط روبه پایین است در این سطح گرچه فرد از لحاظ عاطفی مستقل و جدا است ولی در پاره‌ای از اوقات، اعضای خانواده زمانهایی را با همدیگر می‌گذرانند و به برخی از بحث‌های گروهی ملحق می‌شوند و حمایت‌های زناشویی دریافت می‌دارند.

سطح مرتبط: در این سطح انسجام خانوادگی متوسط رو به بالا است و افراد زمانهایی را که با همدیگر می‌گذرانند، مهم‌تر از اوقات تنهایی است و بر با هم بودن اعضای تاکید فراوانی دارند.

1- Disengage
2- Separated
3- Connected
4- Enmeshed

سطح گرفتار: در این سطح انسجام خانوادگی دارای بالاترین سطح خود می‌باشد، به طوری که فرد در خانواده نمی‌تواند استقلال خود را حفظ کند و افراد بسیار به همدیگر وابسته‌اند و اغلب، انرژی افراد صرف خانواده می‌شود.

در خصوص این چهار سطح، السون (۱۹۹۹) معتقد است که سطح ایده‌آل انسجام خانوادگی، سطوح میانی یعنی سطح مرتبط و سطح جدا می‌باشد که در این سطوح خانواده متعادل است. ولی در دو سطح انتهایی یعنی خانواده گرفتار و خانواده رها شده، انسجام خانوادگی خیلی بالا یا خیلی پایین است که در این موارد خانواده نامتعادل می‌باشد.



نمودار (۱-۲) پیوستار انسجام خانواده

ب- انعطاف‌پذیری خانوادگی: انعطاف‌پذیری خانواده به میزان تغییر پذیری در نقشها، قوانین، کنترل و انضباط خانواده اشاره دارد (السون ۱۹۹۹). در این بعد، تأکید روی ثبات در مقابل تغییرات است. در صورت انعطاف‌پذیری در خانواده، مدیریت خانواده به صورت دموکراتیک می‌باشد. و حالت استبدادی کمتر به خود می‌گیرد، همه اعضای خانواده در تصمیم‌گیریها شرکت می‌کنند و شغل در خانواده بر اساس سن و جنس پایه‌گذاری نشده است. به عقیده استنت و دیفرین^۱ (۱۹۸۵) دو کیفیت با انعطاف‌پذیری مرتبط می‌باشد که عبارتند از: ۱) غلبه بر بحران و استرس^۲: بحران برای همه خانواده‌ها ممکن است پیش بیاید

^۱- Stinnett and Defrain

^۲- Coping with Stress and Crisis

ولی خانواده‌های پایدار به درستی با آن برخورد می‌کنند و همدیگر را مقصر نمی‌دانند و در عوض سعی می‌کنند خانواده را از بحران نجات دهند و یا از همدیگر کمک بخواهند.

۲- سلامت روحی^۱: حس تعالی که بعضی در مذهب و برخی در خانواده به دنبال آن

هستند.

بعد انعطاف‌پذیری خانوادگی بر اساس میزان انعطاف‌پذیری دارای چهار سطح می‌باشد:

(۱) خشک^۲: در این سطح انعطاف‌پذیری خانوادگی پایین‌ترین حد خود را دارد؛ در این سطح

کنترل بالا است و معمولاً فردی به عنوان کنترل‌کننده وجود دارد که آنرا اعمال می‌کند. در این سطح بحث و مذاکره در خانواده محدود است و قوانین و نقشها تغییر ناپذیرند.

(۲) نظام‌دار^۳: (سازمان یافته) در این سطح میزان انعطاف‌پذیری متوسط رو به پایین است

و یک نظم و دموکراتیک بر خانواده حاکم، قوانین خانواده ثابت است و بچه‌ها سهم کمی در آن دارند و نقش‌ها در خانواده نیز کمتر تغییر می‌کنند.

(۳) منعطف^۴: میزان انعطاف‌پذیری در این سطح متوسط روبه بالا است؛ این خانواده نسبت به

سطح قبلی کمی بازتر است و نقش‌ها در صورت لزوم تغییر می‌کنند و قوانین خانواده هم متناسب با سن اعضاء خانواده تغییر پذیر است.

(۴) سطح آشفته^۵: در این سطح میزان انعطاف‌پذیری بالا است. در اینگونه خانواده‌ها قوانین

نامشخص بوده و قوانین از شخصی به شخص دیگر تفاوت می‌کند؛ مدیریت و کنترل محدود و

آشفته‌ای بر خانواده حاکم است بنابر نظراسون (۱۹۹۹) خانواده‌ای متعادل است که

انعطاف‌پذیری آنان در سطح متوسط باشد یعنی خانواده‌های منعطف و نظام‌دار و نیز خانواده‌های

¹- Spiritual well-Being.

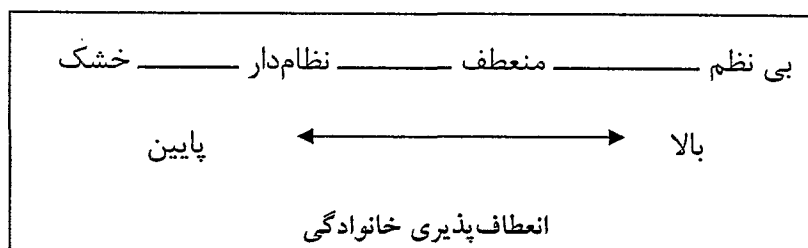
²- Rigid

³- Structured.

⁴- Flexible

⁵- Chaotic

نامتعادل هستند که انعطاف‌پذیری خانوادگی خیلی بالا و یا خیلی کم باشد که خانواده‌های بی‌نظم و خشک از این جمله‌اند.



نمودار (۳-۱) پیوستار انعطاف‌پذیری خانواده

السون (۱۹۹۹) از ترکیب بعد انسجام و انعطاف‌پذیری، ۱۶ گونه خانواده را از هم جدا

می‌سازد.

انعطاف‌پذیری	زیاد	رها	جدا	مرتبط	گرفتار	انسجام
						انعطاف
		بی‌نظم-رها	بی‌نظم-جدا	بی‌نظم-مرتبط	بی‌نظم-گرفتار	بی‌نظم
		منعطف-رها	منعطف-جدا	منعطف-مرتبط	منعطف-گرفتار	منعطف
		نظام‌دار-رها	نظام‌دار-جدا	نظام‌دار-مرتبط	نظام‌دار-گرفتار	نظام‌دار
	کم	خشک-رها	خشک-جدا	خشک-مرتبط	خشک-گرفتار	خشک
			کم	←	→	زیاد
				انسجام خانواده		

نمودار (۴-۱) مدل مدور ترکیبی اقتباس ازالسون (۱۹۹۹)

السون انواع خانواده‌های بالا را به سه دسته کلی تقسیم می‌کند که شامل: (۱) خانواده‌های

بهنجار (۲) خانواده‌های نابهنجار (۳) خانواده‌های مسأله‌دار

۱- خانواده‌های متعادل (بهنجار): در اطراف نقاط میانی دو بعد انسجام و انعطاف‌پذیری خانوادگی قرار دارند که عبارت‌اند از: (۱) منعطف- مرتبط (۲) منعطف- جدا (۳) نظام‌دار- مرتبط (۴) نظام‌دار- جدا

۲- خانواده‌های نامتعادل افراطی (نابهنجار): این نوع خانواده‌ها از لحاظ انسجام و انعطاف‌پذیری در انتهای پیوستار قرار دارند یعنی چهار گونه خانواده‌ها در چهار گوشه نمودار قرار دارند: (۱) بی‌نظم- گرفتار (۲) بی‌نظم-رها (۳) خشک-رها (۴) خشک-گرفتار.

۳- خانواده‌های نامتعادل (مسأله‌دار): این خانواده‌ها تنها با یکی از ابعاد انسجام یا انعطاف‌پذیری با مشکل روبرو هستند و نسبت به خانواده‌های نابهنجار از مشکل کمتری برخوردارند و به طور معمول در قالب فرآیندهای خانواده درمانی و یا گروه درمانی و به طور کلی خدمات مشاوره‌ای و روان‌شناختی اصلاح‌پذیرترند. این خانواده‌ها عبارتند از:

(۱) بی‌نظم - مرتبط (۲) بی‌نظم - جدا (۳) منعطف - گرفتار (۴) منعطف - رها (۵) نظام‌دار - وابسته (۶) نظام‌دار - رها (۷) خشک - مرتبط (۸) خشک - جدا

ج) ارتباط در خانواده: این بعد کلید اصلی یک خانواده خوب یا از هم پاشیده است؛ دو ویژگی ارتباطات در خانواده عبارت است از:

ارتباط مثبت^۱ و قدردانی و محبت^۲:

ارتباط مثبت؛ یعنی صحبت با هم نه به شیوه انتقادی، تهدیدی و قضاوتی. خانواده‌های قوی از خنده و شوخی برای کاهش تنش و اضطراب استفاده می‌کنند و هر کس به راحتی در مورد مسایل خود حرف می‌زند و قدردانی و توجه؛ یعنی نحوه نشان دادن عواطف نسبت به همدیگر.

1- Positive Communication.

2- Appreciation and Affection

۱-۴- اهمیت موضوع

کلیه روش‌های روان‌شناختی تغییر رفتار از طریق تأثیر مستقیم خودپنداره‌ی فرد، منجر به تغییر رفتار فرد می‌شوند (بندورا، ۱۹۷۷) از طرف دیگر به عقیده پارک و بوریل^۱ (۱۹۸) خانواده ارتباط مستقیم با خودپنداره دارد. و همچنین کوپراسمیت (۱۹۶۷) خانه و نوع روابط والدین با فرزندان را مهمترین عامل تشکیل دهنده خودپنداره می‌داند. خودپنداره در رابطه با پیشرفت تحصیلی نیز دارای اهمیت است و با توجه به روابط بین خودپنداره و متغیرهای آموزشی بعضی از محققان نظیر ویلیا^۲ (۱۹۹۲) معتقدند که خودپنداره نقش مهمی در تعلیم و تربیت بازی می‌کند. روحانی (۱۳۵۹) نیز نشان داد که بین خودپنداره و پیشرفت تحصیلی رابطه مثبت و معنی‌داری موجود است. ویلیام جیمز (۱۹۵۰) معتقد بود که انسان‌ها می‌توانند زندگی خودشان را توسط تصویرهای ذهنی‌شان عوض کنند و به عبارتی اگر کسی تصاویر ذهنی‌اش را تغییر دهد در آن صورت خواهد توانست شخصیتش را دگرگون نماید.

اینکه افراد درباره خود تصویری درست یا غلط داشته باشند، مسئله مهم و سرنوشت ساز است؛ زیرا حرکت و یا توقف آدمی در گروه آن است. فردی که خودپنداره مثبت دارد و در جهت تایید خود حرکت می‌کند، معمولاً عزت نفس بالایی داشته و از موفقیت بیشتری در زندگی برخوردار است در مقابل فردی که خودپنداره منفی دارد، از زندگی ناخشنود است و یا اضطراب زندگی می‌کند و در راستای رشد و موفقیت حرکت نمی‌کند افراد با خودپنداره منفی در دوست‌یابی و نگه داشتن روابط دوستی زیاد موفق نبوده و چندان جرات نوآوری از خود نشان نمی‌دهند در مقابل افرادی که خودپنداره مثبت دارند از آفرینندگی بالایی برخوردارند و انتقادهای را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهند فردی که خودپنداره منفی دارد معمولاً در مورد

^۱- Park & Buriil

^۲- Villa

هویت خود احساس خطر می‌کند و قدرت پذیرش خود را ندارد و اغلب زود رنج می‌باشد
(احمدی ۱۳۸۲).

به عقیده پارک و بوریل^۱ (۱۹۸) خانواده ارتباط مستقیم با خودپنداره دارد. و همچنین
کوپراسمیت (۱۹۶۷) خانه و نوع روابط والدین با فرزندان را مهمترین عامل تشکیل دهنده
خودپنداره می‌داند. خودپنداره در رابطه با پیشرفت تحصیلی دارای اهمیت است.

۱-۵- بیان مسأله

در پژوهش حاضر سعی در روشن ساختن این مسأله می‌باشد که آیا کنش‌های خانواده (انسجام
و انعطاف‌پذیری خانوادگی) بر خودپنداره نوجوانان پسر و دختر مقطع دبیرستان و پیش
دانشگاهی تأثیر دارد؟ و چنانچه این تأثیر وجود دارد به چه صورت است، یعنی سطوح مختلف
انسجام و انعطاف‌پذیری خانواده هر کدام چه تأثیری بر خودپنداره نوجوانان پسر و دختر دارند و
همچنین در این تحقیق درصدد پاسخگویی به این سؤال است که به لحاظ خودپنداره بین
دختران و پسران تفاوت معنی داری وجود دارد.

¹- Park & Buri

۱-۶-سوالات تحقیق

- ۱) آیا جنسیت، سطوح انعطاف‌پذیری و سطوح انسجام خانوادگی، تأثیر معنی‌داری بر خودپنداره‌ی کلی نوجوانان دارد؟
- ۲) آیا جنسیت، سطوح انعطاف‌پذیری و سطوح انسجام خانوادگی، تأثیر معنی‌داری بر خودپنداره‌ی تحصیلی نوجوانان دارد؟
- ۳) آیا جنسیت، سطوح انعطاف‌پذیری و سطوح انسجام خانوادگی، تأثیر معنی‌داری بر خودپنداره‌ی ورزشی نوجوانان دارد؟
- ۴) آیا جنسیت، سطوح انعطاف‌پذیری و سطوح انسجام خانوادگی، تأثیر معنی‌داری بر خودپنداره‌ی اجتماعی نوجوانان دارد؟
- ۵) آیا جنسیت، سطوح انعطاف‌پذیری و سطوح انسجام خانوادگی، تأثیر معنی‌داری بر خودپنداره‌ی ارزشی نوجوانان دارد؟

فصل دوم

پیشینه تحقیق

۲- پیشینه تحقیق

در این فصل تحقیقات انجام شده‌ی قبلی مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ بدین منظور ابتدا به عوامل مؤثر بر رشد و شکل‌گیری خودپنداره اشاره می‌گردد، در این راستا تأثیر عوامل خانوادگی مورد بحث قرار خواهد گرفت.

۲-۱- عوامل مؤثر بر رشد و شکل‌گیری خودپنداره

کولی^۱ (۱۹۰۲)، مید^۲ (۱۹۳۴) و سولیوان^۳ (۱۹۵۳) معتقدند، بازخوردی که فرد از افراد مهم زندگی دریافت می‌کند در تشکیل خودپنداره او اثر تعیین‌کننده‌ای دارد (به نقل از منداگلیو و پی ریت، ۱۹۹۵). به اعتقاد فستینگر^۴ (۱۹۵۴)، تلقی افراد از توانایی، رفتار یا عملکردشان، در مقایسه با دیگران شکل می‌گیرد. (به نقل از منداگلیو و پی ریت، ۱۹۹۵). و همچنین طبق نظریه

1-Cooley
2- Mead
3-Sulewan
4- Festinger

اسناد کلی^۱ (۱۹۶۷) همانطور که افراد از طریق مشاهده رفتار دیگران متوجه خصیصه‌های آنان می‌شوند، از طریق مشاهده خود نیز پی به ویژگی‌های خویش می‌برند. (به نقل از منداگلیو و پی ریت، ۱۹۹۵).

سه عامل مهم در شکل‌گیری خودپنداره عبارتند از: (۱) تأثیر "دیگرانِ مهم"، (۲) نقش‌هایی که فرد در زندگی اجرا می‌کند و (۳) محبت و پذیرش کودک از سوی پدر و مادر بر حسب استقلال کودکان، تعیین محدوده فعالیت کودکان، تشویق کودک به داوری داد گرانه در رفتار با دیگران و آشنا کردن کودکان با مبنای نظم حاکم بر جامعه (احمدی، ۱۳۸۲).

علاوه بر این بیابانگرد (۱۳۷۶) طی پژوهش خود به این نتیجه رسید که، خودپنداره آموختنی است، هرچه که فرد در مورد خود می‌داند و یا در مورد خود درک کرده است، از تجارب او سرچشمه می‌گیرد که در میان آنها تجارب اجتماعی در درجه اول قرار می‌گیرند و این موضوع برای فرد یا افرادی که در زندگی او مسؤل هستند و مسؤلیت پرورش او را در زندگی حال و آینده بر عهده دارند مهم می‌باشد.

بعضی از محققان معتقدند که خودپنداره احتمالاً از زندگی متأثر می‌شود (دابسون^۲، کامبل^۳ و دابسون، ۱۹۸۲). شیولسون و بویلز^۴ (۱۹۸۲)، تجربه با محیط، تمایل به دیگران و اسنادهای رفتاری را در تشکیل خودپنداره مهم دانسته‌اند. هارتر (۱۹۸۸) نشان داد که جذابیت ظاهری به طور وسیعی با خودپنداره‌ی مثبت همبستگی دارد، بویژه در دختران که با پذیرش اجتماعی بیشتری همراه است.

1-Kelley
2-Dobson
3-Camble
4-Shivelson and Bolus

هربرت مید^۱ (۱۹۳۴) دریافت که محتوی خودپنداره، هم حاصل توانایی‌های شناختی و هم پسخوراند دریافتی از دیگران است؛ این جامعه‌شناس اعلام کرد که «خود سازمان یافته» زمانی نمایان می‌شود که خود فاعلی کودک^۲، دیدگاه مفعولی^۳ را (که به نگرش دیگران نسبت به کودک شباهت دارد)، بپذیرد. مید نشان داد که مهارت‌های درک دیگران، مخصوصاً توانایی پی بردن به آنچه دیگران فکر می‌کنند، برای رشد خودپنداره بر اساس صفات شخصیت، اهمیت زیادی دارد.

اما این سؤال ممکن است مطرح شود که آیا می‌توان خودپنداره را تغییر داد؟ هامچک^۴ (۱۹۸۷) نشان داد که خودپنداره ثابت و غیر قابل تغییر نیست و لذا ما می‌توانیم آن را تغییر دهیم، و همچنین در تحقیقی دیگر، مشکی (۱۳۷۸) نشان داد که آموزش مسأله‌گشایی در خودپنداره نوجوانان پسر، اثر مثبت داشته و موجب افزایش آن می‌گردد. برای ادامه این روند می‌بایست روش به کار رفته پیگیری و یادآوری شود.

بالاخره کوپر اسمیت و استانلی (۱۹۶۷) چهار عامل اصلی را در تشکیل خودپنداره موثر می‌داند که عبارتند از: خانواده، مدرسه، همسالان و گرایش که فرد نسبت به خودش دارد، که مهم‌ترین آنها خانواده می‌باشد.

محققان مذکور، خانه و نوع روابط والدین با فرزندان را مهمترین عامل تشکیل دهنده‌ی خودپنداره می‌دانند و در این باره می‌گویند، محبت پدر و مادر، رفتار احترام آمیز پدر و مادر نسبت به فرزندان و میزان آزادی که پدر و مادر برای فرزندان خود قائلند از جمله عواملی به‌شمار می‌روند که رشد شخصیت کودک را تحت تأثیر قرار می‌دهند، میزان تحصیلات، وضع ظاهری و جسمی، طبقه و اختلاف نژادی نیز در ایجاد خودپنداره مثبت دخیل هستند. وجود

^۱ - Herbert Mead

^۲ - I - Self

^۳ - Me- Self

^۴ - Hamachek

جو عاطفی در خانواده مهمتر از عوامل اجتماعی- اقتصادی است و فشارهای عاطفی که منجر به بروز خودپنداره منفی می‌شوند چه در خانواده هایی که از نظر اجتماعی- اقتصادی دچار کمبود هستند و چه آنها که از این لحاظ در رفاه می‌باشند دیده شده است (کوپر اسمت، ۱۹۶۷). پ

۲-۲- تأثیر خانواده بر رشد خودپنداره

خودپنداره در واقع بر اساس ارتباط با افراد مهم در محیط کودک تشکیل می‌شود به همین دلیل بدون تردید نقش خانواده در تشکیل خودپنداره‌ی کودک حائز اهمیت است (لوئیز، ۲۰۰۱). نتایج بعضی از تحقیقات حاکی از تأثیرات ساختار خانواده بر خودپنداره‌ی افراد است؛ به عنوان مثال در پژوهشی که بر روی ۲۵۶ دانشجوی دانشگاه انجام شد مشخص شد که ساختار خانواده فرد در دوران کودکی و نوجوانی تأثیر عمیقی بر خودپنداره آنها در دوره‌ی بزرگسالی دارد، به طوری که افراد دارای خانواده از هم گسیخته به دلیل برخورداری از حمایت کمتر مالی، تعاملات نامناسب، مراقبت کمتر و بی‌تفاوتی معلمین و اولیاء مدرسه از خودپنداره‌ی ضعیف‌تری برخوردارند (فریمن و همکاران، ۲۰۰۳).

به نظر مارتینز (۱۹۹۴) خانواده و مدرسه در تشکیل خودپنداره‌ی کودک مهم می‌باشند. کارباری نو^۱ (۱۹۹۲) معتقد است که خانواده به عنوان واحد اصلی تجربه بشری است؛ هیچ بستری از نظر قدرت و تأثیر با خانواده برابری نمی‌کند، خانواده بین اعضاء پیوندهایی برقرار می‌کند که منحصر به فردند، زیرا پایگاهی است که کودکان در آن مهارت‌ها، ارزش‌ها، اخلاق و چگونگی ادراک خود و دیگران را می‌آموزند. اگر ارتباط و پیوندها، متقابل، صمیمی و

¹- James Carbarino

خشنودکننده باشد، سلامتی روانی را برای افراد به همراه دارد در صورتی که این روابط، سرد یا سرکوب‌گرانه باشد، مشکلاتی را برای والدین و فرزندان در پی خواهد داشت (پارک و یوریل^۱، ۱۹۹۸). در تحقیقی در زمینه تعیین گرایش نوجوان به عواملی از قبیل خانواده، همسالان، معلمان و مدرسه، رضویه و حسینی (۱۹۷۲) نشان دادند که اکثریت نوجوانان ایرانی به خانواده بیشترین گرایش را نشان می‌دهند که این دلیل بر دلبستگی و احترام زیادی است که جوانان ایرانی برای خانواده خود قائلند و از ویژگی‌های فرهنگ سنتی ایران محسوب می‌شود.

آدامز و گلو^۲ (۱۹۸۳) معتقدند که، خانواده سه تأثیر مهم بر روی نوجوان دارد:

۱) محیطی از همبستگی و صمیمیت ایجاد می‌کند که باعث ایجاد پیوند عاطفی می‌گردد و باعث همانندسازی می‌شود. در خانواده‌هایی که همبستگی کمی وجود دارد از نوجوانان کمتر حمایت می‌شود تا در تصمیم‌گیری مشارکت نمایند، از این رو خانواده‌های دارای همبستگی احساس کفایت می‌کنند.

۲) خانواده‌ها الگویی از سازگاری ارائه می‌دهند که موجب تغییر در ساختار و قوانین و نقش‌ها می‌شود.

۳) خانواده‌ها تجاربی در زمینه ارتباطات بین فردی برای نوجوان فراهم می‌کند.

در مورد ارزیابی والدین نسبت به فرزندان، هلپر^۳ (۱۹۵۸)، جراردورمی^۴ (۱۹۹۵) و ماینس^۵ (۱۹۵۸) نشان دادند که ارزیابی‌های والدین نسبت به فرزندان، در رشد خودپنداره آنان بسیار مؤثر است.

^۱- Parke and Buril

^۲- Adams & Gullota

^۳- Holper

^۴- Jourard and Remy

^۵- Mains

بندورا^۱ (۱۹۹۷) و ماورر^۲ (۱۹۹۵) عقیده داشتند که والدین اولین معلمان و خانواده اولین آموزشگاه محسوب می شود. به عقیده بچر^۳ (۱۹۸۴) و اپستین^۴ (۱۹۹۰)، یکی از مهمترین عنصری که نقش اساسی در ایجاد رشد شناختی و عاطفی بچه‌ها دارد، والدین می‌باشند. در مورد رشد خود، لوینگر^۵ (۱۹۷۶) عقیده دارد هر شخصی یک چارچوب یا جهت‌گیری اساسی به سمت دنیا و خودش دارد که بوسیله‌ی آن چارچوب، تجارب، درک، سازماندهی و معنادار می‌شود او عقیده دارد که چهارچوب‌های ذهنی ساده به طرف پیچیدگی، انعطاف‌پذیری و آگاهی می‌رود لوینگر (۱۹۷۶) معتقد است که خانواده موثرترین عامل برای رشد خود است.

۲-۳- خودپنداره و کنش‌های خانواده

دارلینگ و استنبرگ^۱ (۱۹۹۳)، سبک‌های رفتاری والدین را "منظومه‌ای از نگرش‌ها در مورد کودک، نحوه‌ی برقراری ارتباط با کودک، روش نگه‌داری کودک و جو عاطفی حاکم بر فضای رفتاری والدین"، تعریف می‌کنند به اعتقاد دوربناخ و همکاران (۱۹۹۰)، والدینی که با نوجوانان‌شان مشترکاً تصمیم می‌گیرند و بتدریج با افزایش سن، خود مختاری بیشتری به آنها می‌دهند، باعث می‌شوند که نوجوانان خیلی خوب پیشرفت کنند؛ در همین زمینه اپستین (۱۹۹۰) متذکر می‌شود که والدین به شیوه‌های مختلفی بر رشد عقلی و ذهنی فرزندان تأثیر می‌گذارند، یکی از این عوامل سبک‌های تربیتی اعمال شده از سوی والدین است. ضعف‌های تربیتی باعث پیامدهای منفی همچون خودپنداره پایین و ... می‌شود.

1- Bandura
2- Mover
3- Becher
4- Epstein
5- Loevinger
1-Darling & Steinberg

دیانا بامریند (۱۹۷۳) اظهار می‌دارد که سبک‌های تربیتی با رفتارهای ارتباطی در نوجوانی مرتبط است. رفتار والدین می‌تواند خودانگاره‌ی کودک را نیز تحت تأثیر قرار دهد (راجرز، ۱۹۵۴). بامریند^۲ (۱۹۶۷) تأکید دارد که فرزندان والدین مقتدر بسیار خوب پرورش می‌یابند، شاد و سر حال‌اند، در تسلط‌یابی بر تکالیف جدید اعتماد به نفس داشته و خودگردان هستند. والدینی که درجه‌ی پذیرش بالایی نسبت به فرزندان خود دارند و روش فرزند پروری دموکراتیک اتخاذ می‌کنند، عزت‌نفس بالاتر و امنیت هیجانی بیشتری در فرزندان ایجاد می‌کنند، نسبت به والدینی که ناپذیرا بوده و روش‌های تربیتی استبدادی را اتخاذ می‌کنند (بالدوین، ۱۹۴۹). به‌علاوه والدین کودکان دارای عزت‌نفس بالا با محبت‌تر بوده و از پاداش بیش از تنبیه در هدایت فرزندان خود استفاده می‌کنند، والدین کودکان دارای عزت‌نفس پایین کناره‌گیرتر و کم‌محبت‌تر بوده و احتمال بیشتری دارد که از تنبیه استفاده کنند (کوپر اسمیت، ۱۹۶۷).

ارل ویورمن^۱ (۱۹۵۵) و هارولد کاتگر^۲ بیان می‌دارند زمانی که رابطه‌ی زناشویی مادران و پدران صمیمی و با ملاحظه است، فرزندان خود را بیشتر تحسین و تشویق می‌کنند و کمتر آنها را موزد ایراد و سرزنش قرار می‌دهند. در مقابل، وقتی که زندگی زناشویی تنش‌زا و خصمانه است، والدین به احتمال بیشتری ابراز خشم، انتقاد و تنبیه می‌کنند (به نقل از سامانی، ۱۳۸۳).

2-Diana Bamrind

¹- Eral and Urman

²- Harolidocotger

بیان احساسات و هیجانات ، توجه به نیازها و مسایل نوجوانان در خانواده، تشریک مساعی و همکاری میان اعضای خانواده، فراهم کردن فرصت لازم برای موفقیت، رعایت حق و حقوق اعضای خانواده و در نظر گرفتن فرصت استقلال و روشن بودن محدودیت‌ها، هرچند ممکن است علت افزایش سطح عزت‌نفس در نوجوان نباشد اما تحقیقات نشان می‌دهند که در این شرایط نوجوان از خود عزت‌نفس مثبت‌تری از خود نشان می‌دهد(استنبرگ، ۲۰۰۲).

اویسون - مک‌الپین^۱ (۱۹۹۲) در تحقیق خود نشان داده اند که جو نامطلوب خانوادگی با کاهش عزت نفس و خودپنداره منفی در نوجوانی در ارتباط است. سویتینگ و وست^۲ (۱۹۹۵) معتقداند که بسیاری از رفتارهای نامطلوب نوجوانان و از جمله خودپنداره منفی، خود کم‌بینی، به علت ارتباط نا مطلوب والدین- فرزند می باشد که می تواند در عملکرد تحصیلی فرد تأثیر منفی داشته باشد. کوپر اسمیت (۱۹۶۷) وجود جو عاطفی در خانواده را مهمتر از عواملی اجتماعی- اقتصادی می داند و این فشارهای عاطفی هستند که منجر به بروز خودپنداره‌ی منفی می شوند، چه در خانواده‌هایی که از نظر اجتماعی - اقتصادی دچار کمبود هستند و چه آنها که از این لحاظ در رفاه می‌باشند همچنین مهمترین ابعاد موثر بر خودپنداره که توسط کوپر اسمیت (۱۹۶۷) در زمینه خانواده تشخیص داده شده است عبارتند از: قبول، تصدیق، تنبیه، آزادی و استقلال.

کوپر اسمیت و همکاران (۱۹۹۸) نشان داده‌اند که ارتباط مثبت با والدین باعث افزایش عزت نفس نوجوان می‌گردد. به اعتقاد نواک و بوسچنر (۱۹۹۹) میان عزت نفس و انسجام خانوادگی رابطه معنی‌داری وجود دارد (به نقل از سامانی، ۱۳۸۳). لنز و همکاران (۱۹۹۹)، نشان دادند ارتباط مثبت با والدین باعث افزایش عزت نفس نوجوان می‌گردد. به اعتقاد گیکس و ایجرا لب (۱۹۸۶) حمایت والدین باعث افزایش احساس خود ارزشمندی و عزت نفس در نوجوانان

1- Avison Mcalpine

2- Sweeting and West

بویژه دختران می‌گردد. کتیستیزاپس و همکاران (۱۹۹۸) نشان دادند که حمایت عاطفی و لدین باعث افزایش عزت نفس می‌گردد و عزت نفس با همبستگی خانوادگی رابطه مثبت دارد. به نظر راجرز با پدید آمدن "خود"، نیاز به "توجه مثبت" مطرح می‌شود. "توجه مثبت" به معنای گرمی، عشق، همدلی، توجه، احترام، پذیرش از جانب مهم‌ترین افراد زندگی، یعنی والدین است (هرگنهان، ۱۹۹۴). یانگ و همکاران (۱۹۹۷) نشان داده‌اند که همبستگی نسبتاً بالایی بین دریافت محبت از والدین و احساس تعلق به ایشان با سلامت عاطفی و روانی نوجوانان وجود دارد.

۲-۴- خودپنداره و جنسیت

برخی پژوهش‌ها به تفاوت دختران و پسران در زمینه خودپنداره پرداخته‌اند، به علت تفاوت‌های جنسی، زنان و مردان از توانایی‌های خود، درک متفاوتی دارند و در نتیجه برنامه‌های آموزشی آنان تحت تأثیر این امر قرار می‌گیرد (اکلس^۱ و همکاران، ۱۹۸۹).

پژوهش میلگرام و میلگرام^۲ (۱۹۷۴) حاکی از آن است که نمره کلی خودپنداره دختران بیشتر از پسران است ولی در مقابل این تحقیق، پژوهش اشنایدر و همکاران^۳ (۱۹۸۹) نشان می‌دهد که پسران دارای خودپنداره‌ی بالاتری نسبت به دختران می‌باشند.

این در حالی است که پژوهش تونگ و یوچاک^۴ (۱۹۹۴) نیز نشان دادند که تفاوتی بین خودپنداره‌ی کلی دختران و پسران موجود نیست ولی در زمینه توانایی‌های ورزشی پسران

^۱- Eccless

^۲- Milgram & Milgram

^۳- Eshnider

^۴- Tong and Uchac

نمرات بالاتری نسبت به دختران کسب می کنند. به طور کلی مطالعات انجام شده در دو دهه اخیر بین دو جنس از لحاظ خودپنداره تفاوتی نشان نمی دهند.

ویلی^۱ (۱۹۷۴)، ماکوبی^۲ و جک کین (۱۹۷۴)، جیمز (۱۸۹۲) معتقدند که تصویر کلی یک فرد بر پایه توانمندی در حوزه‌هایی است که از نظر او مهم هستند. بنابراین اگر دختران و پسران در حوزه‌ای خاص، خود را متفاوت ارزیابی کنند، پرسشنامه‌ای از «خود» که آن حوزه خاص را در بر می گیرد، تفاوت جنسی را نشان خواهد داد این بر خلاف آن پرسشنامه‌ای است که آن حوزه را در نظر نمی گیرد. هارتر (۱۹۸۲) بر پایه یافته‌های فوق می گوید درست نیست که ما از افراد پرسشنامه بگیریم و بعد نمرات حوزه‌های خاص را با هم جمع کنیم زیرا اهمیت هر حوزه برای یک فرد متفاوت است در جوامعی که برچسب‌های جنسی در مورد دو جنس به هم نزدیک شده است در همان حوزه‌هایی که برای هر دو جنس یکسان در نظر گرفته شده است، تفاوت‌های جنسی کاهش می یابد.

و بنا به تحقیقات هارتر (۱۹۹۰)، کارنز و همکاران^۳ (۱۹۹۰)، هاری و همکاران^۴ (۱۹۹۳) و (ترنت و همکاران، ۱۹۹۶) تفاوت‌های جنسی در همه حوزه‌های خودپنداره به غیر از پذیرش اجتماعی مشاهده شده و بیشترین تفاوت بین دو جنس از نظر جذابیت فیزیکی بود (پسران خود را جذابتر می یافتند) و بالاخره خودپنداره‌ی پسران در همه زمینه‌ها به غیر از دوستی نزدیک، بالاتر بود.

1- Wylie

2- Maccoby & Jackin

3--Cairns

4- Hoare

فصل سوم
روش تحقیق

۳- روش تحقیق

در این فصل روش تحقیق مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ بدین منظور ابتدا جامعه‌ی آماری، نمونه و روش نمونه‌گیری مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ در ادامه ابزارهای اندازه‌گیری و روش تجزیه و تحلیل داده‌ها معرفی می‌شود.

۳-۱- جامعه آماری

جامعه آماری: جامعه آماری در این پژوهش، کلیه دانش‌آموزان پسر و دختر دوره دبیرستان و پیش‌دانشگاهی بودند که در سال تحصیلی ۸۳-۱۳۸۲ در شهرستان سپیدان به تحصیل اشتغال داشتند.

نمونه آماری: آزمودنی‌های این پژوهش ۵۲۱ دانش‌آموز پسر و دختر در دوره متوسطه و پیش‌دانشگاهی بودند، که در سال تحصیلی ۸۳-۱۳۸۲ در کلاسهای اول، دوم، سوم و پیش‌دانشگاهی در شهرستان سپیدان مشغول به تحصیل بودند.

روش نمونه‌گیری: نمونه‌گیری به روش خوشه‌ای تصادفی و واحد نمونه‌گیری، کلاس درس بود.

جدول شماره ۱-۳ نشانگر ترکیب گروه نمونه بر اساس جنسیت و پایه‌ی تحصیلی می‌باشد.

جدول (۱-۳) چگونگی توزیع گروه نمونه

میانگین سنی	دختر	پسر	مقطع تحصیلی
۱۴/۱	۷۵	۶۸	اول دبیرستان
۱۴/۹	۶۷	۶۴	دوم دبیرستان
۱۶	۶۴	۶۱	سوم دبیرستان
۱۶/۱	۶۰	۶۲	پیش‌دانشگاهی
۱۵/۲	۲۶۶	۲۵۵	کل

۳-۲- ابزارهای اندازه‌گیری

ابزار اندازه‌گیری در این پژوهش شامل موارد زیر بودند.

(۱) پرسشنامه‌ی «انسجام خانوادگی».

(۲) پرسشنامه‌ی «انعطاف‌پذیری خانواده».

(۳) پرسشنامه‌ی «خودپنداره».

الف) پرسشنامه‌ی انسجام خانوادگی

این مقیاس بر اساس مجموعه‌ای از متون موجود در باب همبستگی و با الهام از مدل ترکیبی آلسون (۱۹۹۹)، به وسیله سامانی (۱۳۸۱)، ساخته شده است. این آزمون دارای ۲۸ سؤال است که گزینه‌ها به صورت "طیف لایکرتی" طراحی شده است. به گزینه اول یعنی کاملاً موافقم نمره‌ی ۵ تعلق می‌گیرد و به ترتیب تا کاملاً مخالفم که نمره‌ی ۱ را در بر می‌گیرند. حداکثر نمره‌ی قابل اکتساب در این آزمون ۱۴۰ و حداقل ۲۸ بود که بالاترین و پایین‌ترین نمرات کسب شده در این آزمون به ترتیب، ۱۴۰ و ۲۰ بودند. ضمناً در این پژوهش ۲۵٪ بالای نمرات تحت عنوان سطح انسجام بالا، و ۲۵٪ پایین نمرات تحت عنوان سطح انسجام پایین، و ۵۰٪ میانه‌ی نمرات تحت عنوان سطح انسجام متوسط تعریف شده‌اند. مطالعه مقدماتی رضویه و سامانی (۱۳۷۹) در خصوص این مقیاس بر اساس ۸ عامل (همبستگی با پدر، مادر، مدت تعامل، مکان، تصمیم‌گیری، ارتباط عاطفی، روابط زناشویی و رابطه‌ی والدین با فرزندان) حاکی از کفایت این مقیاس برای ارزیابی همبستگی فرد با والدین بود. ضریب آلفا با روش بازآزمایی ۰/۹۰ و پایایی برای کل مقیاس برابر ۰/۷۹ گزارش شده است (سامانی، ۱۳۸۱).

همچنین در بررسی دیگری که به وسیله‌ی سامانی (۲۰۰۴) انجام شد ضریب همسانی درونی مقیاس ۰/۸۵، ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۹ و ضریب پایایی با روش بازآزمایی ۰/۸۰ گزارش شده است. ضریب آلفای کرونباخ در پژوهش حاضر نیز ۰/۹۰ به دست آمد. نمونه سؤال آزمون: " دوست دارم کنار والدینم باشم ".

کاملاً موافقم موافقم نظری ندارم مخالفم کاملاً مخالفم

نسخه‌ای از این پرسشنامه در بخش پیوست‌ها (ضمایم) ارائه شده است.

ب) پرسشنامه انعطاف‌پذیری مثبت

این آزمون با الهام از مدل ترکیبی آلسون (۱۹۹۹) درباره‌ی خانواده، به‌وسیله‌ی شاکری (۱۳۸۲)، ساخته شده است. آزمون شامل ۱۶ سؤال است و جواب سؤالات به صورت "طیف لایکرتی" است که به‌شکل کاملاً موافقم، موافقم، نظری ندارم، مخالفم و کاملاً مخالفم، ارائه شده‌اند دارند و جواب‌ها به‌ترتیب از ۵ تا ۱ نمره را در بر می‌گیرند. حداکثر نمره‌ی قابل اکتساب در این آزمون ۸۰ و حداقل ۱۶ بود که بالاترین و پایین‌ترین نمرات کسب شده در این آزمون به‌ترتیب، ۷۴ و ۳۷ بودند. ضمناً در این پژوهش ۲۵٪ بالای نمرات تحت عنوان سطح انعطاف بالا، و ۲۵٪ پایین نمرات تحت عنوان سطح انعطاف پایین، و ۵۰٪ میانه‌ی نمرات تحت عنوان سطح انعطاف‌پذیری متوسط تعریف شده‌اند. اعتبار و روایی این مقیاس در طی مطالعه‌ی بر روی ۴۸ آزمودنی مورد تأیید قرار گرفته است؛ که ضریب همسانی درونی مقیاس، با استفاده از آلفای کرونباخ معادل ۰/۸۹ گزارش شده است؛ نتیجه‌ی تحلیل عاملی این مقیاس نیز، تنها یک عامل عمومی (g) تحت عنوان "انعطاف‌پذیری به‌دست داده است (شاکری، ۱۳۸۲).

نمونه سؤال آزمون: "در تصمیمات خانوادگی همه افراد حق اظهار نظر دارند:"

کاملاً موافقم موافقم نظری ندارم مخالفم کاملاً مخالفم

نسخه‌ای از این پرسشنامه نیز در قسمت پیوست‌ها (ضمایم) ارائه شده است.

ج) مقیاس خودپنداره: این مقیاس توسط منداگلیوو پیرت (۱۹۹۵) ساخته شده است و آن را P.M.S.P.S¹ نامیدند. این مقیاس خودپنداره را در ۴ بعد (تحصیلی، اجتماعی، ورزشی و ارزشی) می‌سنجد و دارای ۳ بخش می‌باشد، بخش اول شامل اطلاعاتی در زمینه مشخصات عمومی افراد نمونه تحقیق مثل جنس، سن، پایه تحصیلی می‌باشد. بخش دوم میزان اهمیت نظر افرادی که در زندگی دانش‌آموزان نقش دارند (پدر، مادر، معلم و بهترین دوست) و

¹--Pyryt- Mendaglio Self- Perception Survey

همچنین میزان اهمیت چهار مقوله تحصیلی، اجتماعی، ورزشی و ارزشی مورد سؤال قرار می‌دهد و از دانش‌آموزان خواسته شد نظر خود را به صورت (خیلی مهم، مهم و بی‌اهمیت) نشان دهند و بالاخره بخش سوم مقیاس، شامل ۲۴ سؤال است که دانش‌آموزان خواسته شد تا نظرات خود را در قالب ۴ بخش، (کاملاً موافقم، موافقم، مخالفم و کاملاً مخالفم) مشخص نمایند؛ این بخش بر اساس سه دیدگاه برداشت بازتابی، مقایسه اجتماعی و اسناد تنظیم شده است. پایایی مقیاس با روش باز آزمایی ۰/۸۷، و مقدار ضریب آلفای کرونباخ نیز برابر با ۰/۸۷ گزارش شده است (البرزی و سامانی ۱۳۷۸). روایی محتوایی مقیاس نیز توسط محققان مذکور مورد تأیید قرار گرفته است.

۳-۳- طرح تحقیق و روش‌های آماری

این پژوهش از نوع طرح‌های علی - مقایسه‌ای^۱ است، به منظور پاسخ‌گویی به سؤالات مطرح شده در این تحقیق، به دلیل وجود سه متغیر مستقل (۱) جنسیت با دو سطح (۲) انسجام خانوادگی با سه سطح (بالا - متوسط - پایین) (۳) انعطاف‌پذیری خانواده با سه سطح (بالا - متوسط - پایین) و همچنین یک متغیر وابسته با چهار بعد، از آزمون تحلیل واریانس سه‌طرفه و آزمون تعقیبی شفه استفاده شد و همچنین برای مقایسه‌ی اهمیت انسجام و انعطاف‌پذیری در تأثیر بر خودپنداره‌ی کلی از آزمون آماری رگرسیون همزمان استفاده شد.

¹- Causal Comparative

فصل چہارم

نتائج

۴- یافته‌ها

در این فصل به ارائه نتایج حاصله از تحلیل اطلاعات پرداخته شده است؛ این نتایج در قالب دو بخش، نتایج توصیفی متغیرها و نتایج حاصل از آزمون سؤالات تحقیق ارائه می‌گردد.

۴-۱- نتایج توصیفی متغیرها: جداول ۴-۱ و ۴-۲ به ترتیب بیان‌گر، ماتریس

همبستگی و میانگین و انحراف معیار متغیرهای مورد مطالعه می‌باشند.

جدول (۴-۱) ماتریس همبستگی برای کلیه متغیرها

متغیرها	جنسیت	سن	کلی	خودپنداره تحصیلی	خودپنداره ورزشی	خودپنداره اجتماعی	خودپنداره ارزشی	خانواده	انعطاف‌پذیری خانواده	انسجام خانواده
سن	۰/۰۸									
خودپنداره‌ی کلی	-۰/۰۴	** -۰/۱۲								
خودپنداره‌ی تحصیلی	۰/۰۴	۰/۰۵	** ۰/۷۴							
خودپنداره‌ی ورزشی	۰/۱۴*	۰/۱۲*	* ۰/۷۲	* ۰/۳۴						
خودپنداره‌ی اجتماعی	۰/۰۰۹	۰/۰۵	** ۰/۷۸	** ۰/۴۹	** ۰/۳۷					
خودپنداره‌ی ارزشی	۰/۰۸	۰/۰۸	** ۰/۷۸	** ۰/۴۷	** ۰/۳۲	** ۰/۵۹				
انعطاف‌پذیری خانواده	۰/۰۱	* ۰/۱۰	** ۰/۲۷	** ۰/۱۷	** ۰/۲۲	** ۰/۲۳	** ۰/۱۹			
انسجام خانوادگی	** ۰/۲۲	** ۰/۱۱	** ۰/۲۰	** ۰/۲۰	** ۰/۱۴	** ۰/۲۳	** ۰/۲۹	** ۰/۲۱	۱	

N=521

** در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار است

* در سطح ۰/۰۵ معنی‌دار است

جدول (۲-۴) میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش

متغیرها	میانگین	انحراف معیار
انعطاف پذیری	۵۷/۱۹	۶/۲۷
انسجام خانوادگی	۱۰۴/۹۷	۱۷/۹۵
خودپنداره‌ی کلی	۷۲/۱۵	۱۰/۳۲
خودپنداره‌ی تحصیلی	۱۸/۲۶	۳/۰۳
خودپنداره‌ی ورزشی	۱۶/۲۶	۴/۱۵
خودپنداره‌ی اجتماعی	۱۸/۴۵	۲/۹۴
خودپنداره‌ی ارزشی	۱۹/۱۸	۳/۵۳
سن	۱۶/۵۰	۱/۲۲

N=۵۲۱

۴-۲-۴- آزمون سوالات تحقیق: در این بخش به آزمون سوالات مورد تحقیق

در این پژوهش پرداخته می‌شود؛ که به ترتیب به بررسی تأثیر تعامل جنسیت، سطوح انعطاف‌پذیری خانواده و سطوح انسجام خانوادگی بر خودپنداره و ابعاد آن (تحصیلی، ورزشی، اجتماعی و ارزشی) می‌پردازیم.

۴-۲-۴-۱- بررسی تعامل جنسیت، سطوح انعطاف‌پذیری و سطوح انسجام

خانوادگی بر نمره‌ی کل خودپنداره: برای آزمون تعامل جنسیت، سطوح انعطاف‌پذیری و

سطوح انسجام خانوادگی بر خودپنداره‌ی کلی، از تحلیل واریانس سه‌طرفه استفاده شده که نتایج آن در جداول ۳-۴ و ۴-۴ ارائه شده است؛ جدول ۳-۴ نشان‌گر میانگین و انحراف معیار خودپنداره‌ی کلی براساس سه متغیر جنسیت، سطوح انعطاف‌پذیری و سطوح انسجام خانوادگی و جدول شماره ۴-۴ نیز بیان‌گر نتایج آزمون‌های تحلیل واریانس سه‌طرفه می‌باشد.

جدول (۳-۴) میانگین و انحراف معیار کل خودپنداره بر حسب جنسیت، سطوح انعطاف پذیری و انسجام خانواده

کل	انعطاف پذیری پائین		انعطاف پذیری متوسط		انعطاف پذیری بالا		متغیرها
	پسر	دختر	پسر	دختر	پسر	دختر	
$\bar{X} = 75/69$ $SD = 11/84$	$\bar{X} = 72/4$ $SD = 8/08$	$\bar{X} = 71/13$ $SD = 10/79$	$\bar{X} = 78/28$ $SD = 7/93$	$\bar{X} = 75/63$ $SD = 11/87$	$\bar{X} = 77/68$ $SD = 7/01$	$\bar{X} = 76/42$ $SD = 7/55$	انسجام بالا
$\bar{X} = 72/83$ $SD = 7/98$	$\bar{X} = 70/43$ $SD = 10/11$	$\bar{X} = 68/15$ $SD = 10/30$	$\bar{X} = 73/65$ $SD = 8/13$	$\bar{X} = 72/28$ $SD = 9/52$	$\bar{X} = 78/57$ $SD = 8/56$	$\bar{X} = 72/82$ $SD = 9/04$	انسجام متوسط
$\bar{X} = 67/29$ $SD = 7/22$	$\bar{X} = 65/68$ $SD = 11/90$	$\bar{X} = 62/39$ $SD = 11/68$	$\bar{X} = 68/65$ $SD = 7/67$	$\bar{X} = 71$ $SD = 8/47$	$\bar{X} = 73$ $SD = 6/51$	$\bar{X} = 67/81$ $SD = 9/44$	انسجام پائین
$N = 521$	$\bar{X} = 67/47$ $SD = 8/70$		$\bar{X} = 73/32$ $SD = 9/65$		$\bar{X} = 75/16$ $SD = 11/18$		کل

جدول (۴-۴) تحلیل واریانس سه طرفه کل خودپنداره بر حسب جنسیت، سطوح انعطاف پذیری و سطوح انسجام خانواده

سطح معنی داری	F	میانگین مربعات	درجه آزادی	مجموع مربعات	منابع واریانس
۰/۰۲	۴/۸۴	۴۴۸/۴۶	۱	۴۴۸/۴۶	جنسیت
۰/۰۰۱	۱۰/۸۶	۱۰۰/۹۳	۲	۲۰۱۳/۸۶	سطوح انعطاف پذیری
۰/۰۰۱	۱۳/۹۱	۱۲۸۸/۹۳	۲	۲۵۷۷/۸۶	سطوح انسجام خانوادگی
N.S	۱/۱۱	۱۰۳/۶۳	۲	۲۰۷/۲۷	جنسیت* سطوح انعطاف پذیری
N.S	۰/۲۰	۱۸/۹۹	۲	۳۷/۹۸	جنسیت* سطوح انسجام خانوادگی
N.S	۰/۴۳	۳۹/۹	۴	۱۵۹/۶۲	سطوح انعطاف پذیری* سطوح انسجام خانواده
N.S	۰/۶۹	۶۳/۹۵	۴	۲۵۵/۸۱	جنسیت* سطوح انعطاف* سطوح انسجام خانواده
—	—	۹۲/۶۶	۵۰۳	۴۶۶۰۹/۹۰	خطا
—	—	—	۵۲۰	۵۵۴۴۹/۰۲	کل

N.S = عدم معنی داری

الف) اثرات اصلی

جنسیت : نتایج حاصله نشان داد، میان دختران و پسران از لحاظ نمره کل خودپنداره تفاوت معنی داری وجود دارد ($P=0/02$ و $F(1,503)=4/84$). همان طور که در جدول نشان داده شد، مشخص می شود که پسرها از نمره کل، خودپنداره ی بالاتری در مقایسه با دختران برخوردارند ($\bar{X}=73/14$ برای پسران و $\bar{X}=70/85$ برای دختران).

سطوح انعطاف پذیری : با توجه به نتایج آماری، میان سطوح مختلف انعطاف پذیری به لحاظ نمره کل خودپنداره، تفاوت معنی داری وجود دارد ($P=0/001$ و $F(503,2)=14/86$) و با توجه به آزمون تعقیبی شفه، سطح انعطاف پذیری بالا در مقایسه با سطح پایین دارای تفاوت معنی داری است و نیز سطح انعطاف پذیری متوسط نسبت به سطح پائین انعطاف پذیری دارای نمره خودپنداره ی کلی بالاتری است ولی بین سطوح انعطاف پذیری متوسط و بالا تفاوت معنی داری وجود ندارد. ($\bar{X}=67/47$ برای انعطاف پذیری پائین، $\bar{X}=73/33$ برای انعطاف پذیری متوسط، $\bar{X}=75/17$ برای انعطاف پذیری بالا).

سطوح انسجام خانوادگی : نتایج پژوهش نشان داد، میان سطوح مختلف انسجام خانواده به لحاظ نمره کل خودپنداره، تفاوت معنی دار است ($P=0/001$ و $F(2,503)=13/91$) و با توجه به آزمون تعقیبی شفه هرچه انسجام خانوادگی بالاتر باشد، نمره خودپنداره ی کلی نیز بالاتر است بدین ترتیب که گروه دارای انسجام متوسط و بالا به طور معنی داری در خودپنداره ی کلی میانگین بالاتری دارند و در ضمن گروه دارای انسجام بالاتر به لحاظ خودپنداره ی کلی تفاوت معنی داری نسبت به گروه دارای انسجام متوسط نشان داد. ($\bar{X}=67/29$ انعطاف پذیری پائین $\bar{X}=72/83$ انعطاف پذیری متوسط، $\bar{X}=75/69$ انعطاف پذیری بالا).

ب) تعامل دو طرفه

تعامل جنسیت و سطوح انعطاف پذیری: با توجه به نتایج آزمون، میان تعامل جنسیت و سطوح مختلف انعطاف پذیری از لحاظ نمره کل خودپنداره تفاوت معنی داری وجود ندارد (N.S) $P=0.111$ و $(F(2, 503)=0.03)$.

تعامل جنسیت و سطوح انسجام خانوادگی: نتایج حاصله نشان داد، میان تعامل جنسیت و سطوح مختلف انسجام خانوادگی از لحاظ نمره کل خودپنداره در این زمینه تفاوت معنی داری مشاهده نشد (N.S) $P=0.20$ و $(F(2, 503)=0.03)$.

تعامل سطوح انعطاف پذیری و انسجام خانوادگی: نتایج تحقیق نشان داد، از لحاظ تأثیر تعاملی سطوح مختلف انعطاف پذیری و سطوح مختلف انسجام خانوادگی بر نمره کل خودپنداره، تفاوت معنی داری وجود ندارد (N.S) $P=0.43$ و $(F(4, 503)=0.03)$.

ج) تعامل سه طرفه

تعامل جنسیت، سطوح انعطاف پذیری و سطوح انسجام خانوادگی: با توجه به نتایج آماری در خصوص تأثیر تعاملی جنسیت، سطوح مختلف انعطاف پذیری و سطوح مختلف انسجام خانوادگی بر نمره کل خودپنداره، تفاوت معنی داری مشاهده نشد (N.S) $P=0.69$ و $(F(4, 503)=0.03)$.

۴-۲-۲- بررسی تعامل جنسیت، سطوح انعطاف پذیری و سطوح انسجام

خانوادگی بر نمره خودپنداره ی تحصیلی: برای آزمون تعامل جنسیت، سطوح انعطاف پذیری و سطوح انسجام خانوادگی بر نمره کل خودپنداره ی تحصیلی از تحلیل واریانس سه طرفه استفاده شده که نتایج آن در جداول ۴-۵ و ۴-۶ ارائه شده است؛ جدول ۴-۵ نشانگر میانگین و انحراف معیار خودپنداره ی تحصیلی براساس سه متغیر جنسیت، سطوح

انعطاف پذیری وسطوح انسجام خانوادگی و جدول ۴-۶ بیانگر نتایج آزمونهای تحلیل واریانس سه طرفه می باشد.

جدول (۴-۵) میانگین و انحراف معیار نمره خود پنداره تحصیلی بر اساس جنسیت سطوح انعطاف و انسجام خانواده

کل	انعطاف پذیری پائین		انعطاف پذیری متوسط		انعطاف پذیری بالا		
	پسر	دختر	پسر	دختر	پسر	دختر	
$\bar{X} = 19/06$ SD=3/31	$\bar{X} = 17$ SD=2/12	$\bar{X} = 18/33$ SD=2/99	$\bar{X} = 20/14$ SD=2/41	$\bar{X} = 19/05$ SD=3/20	$\bar{X} = 18/84$ SD=2/45	$\bar{X} = 19/63$ SD=2/19	بالا انسجام
$\bar{X} = 18/36$ SD=2/90	$\bar{X} = 18/1$ SD=3/06	$\bar{X} = 17/59$ SD=3/22	$\bar{X} = 18/48$ SD=2/76	$\bar{X} = 18$ SD=2/94	$\bar{X} = 18/57$ X=2/51	$\bar{X} = 19/42$ SD=2/86	متوسط انسجام
$\bar{X} = 17/28$ SD=2/85	$\bar{X} = 17/31$ SD=3/31	$\bar{X} = 16$ SD=4/25	$\bar{X} = 17/23$ SD=3/15	$\bar{X} = 18/17$ SD=3/14	$\bar{X} = 17/36$ SD=2/54	$\bar{X} = 18/30$ SD=2/86	پائین انسجام
N=521	$\bar{X} = 17/42$ SD=2/62		$\bar{X} = 18/44$ SD=2/92		$\bar{X} = 18/86$ SD=3/37		کل

جدول ۴-۶ تحلیل واریانس سه طرفه برای نمره خود پنداره تحصیلی بر اساس جنسیت، سطوح انعطاف پذیری و سطوح انسجام خانواده

سطح معنی داری	F	میانگین مربعات	درجه آزادی	مجموع مربعات	منابع واریانس
N.S	1/66	14/49	1	14/49	جنسیت
0/004	5/66	49/36	2	98/72	سطوح انعطاف پذیری
0/002	6/13	53/43	2	106/86	سطوح انسجام خانوادگی
N.S	1/49	4/31	2	8/63	جنسیت * سطوح انعطاف پذیری
N.S	1/6	1/41	2	2/82	جنسیت * سطوح انسجام خانوادگی
N.S	1/88	7/72	4	45/25	سطوح انعطاف پذیری * سطوح انسجام خانوادگی
N.S	1/29	11/32	4	45/29	جنسیت * سطوح انعطاف * سطوح انسجام خانوادگی
—	—	8/71	503	4383/39	خطا
—	—		520	478/44	کل

الف) اثرات اصلی

سطوح انعطاف پذیری : نتایج حاصله نشان داد که میان سطوح مختلف انعطاف پذیری به لحاظ نمره‌ی خودپنداره‌ی تحصیلی، تفاوت معنی‌داری وجود دارد ($P=0/004$ و $F(2,503)=5/66$) . و با توجه به آزمون تعقیبی شفه، سطح انعطاف‌پذیری متوسط در مقایسه با سطح انعطاف‌پذیری پائین دارای نمره خودپنداره‌ی تحصیلی بالاتری است ولی بین سطوح انعطاف‌پذیری متوسط و سطح انعطاف‌پذیری بالا، تفاوت معنی‌داری مشاهده نشد و همچنین سطح انعطاف‌پذیری بالا نسبت به سطح انعطاف‌پذیری پائین دارای نمره‌ی خودپنداره‌ی تحصیلی بالاتری است ($\bar{X}=17/42$ برای انعطاف‌پذیری پائین، $\bar{X}=18/44$ برای انعطاف‌پذیری متوسط، $\bar{X}=18/86$ برای انعطاف‌پذیری بالا).

سطوح انسجام خانوادگی : با توجه به نتایج ، میان سطوح مختلف انسجام خانوادگی به لحاظ نمره خودپنداره‌ی تحصیلی، تفاوت معنی‌داری وجود دارد ($P=0/002$ و $F(2,503)=6/13$) و با توجه به آزمون تعقیبی شفه، سطح انسجام خانوادگی متوسط در مقایسه با سطح انسجام خانوادگی پائین دارای نمره خودپنداره‌ی تحصیلی بالاتری دارد ولی بین سطح انسجام خانوادگی متوسط و سطح انسجام خانوادگی بالا تفاوت معنی‌داری دیده نشد و همچنین سطح انسجام خانوادگی بالا نسبت به سطح انسجام پائین دارای نمره‌ی خودپنداره‌ی تحصیلی بالاتری است ($\bar{X}=17/28$ برای انسجام خانوادگی پائین، $\bar{X}=18/36$ برای انسجام خانوادگی متوسط، $\bar{X}=19/06$ برای انسجام خانوادگی بالا).

جنسیت : نتایج پژوهش نشان داد میان دختران و پسران از لحاظ نمره خودپنداره‌ی تحصیلی تفاوت معنی‌داری وجود ندارد ($P=N.S$ و $F(503,1)=1/66$)

ب) تعامل دوطرفه

تعامل جنسیت و سطوح انعطاف‌پذیری : با توجه به نتایج آزمون، میان تعامل جنسیت و سطوح مختلف انعطاف‌پذیری از لحاظ نمره خود‌پنداره تحصیلی تفاوت معنی‌داری وجود ندارد ($F(2, 503) = 0.609, P = N.S$).

تعامل جنسیت و سطوح انسجام خانوادگی : با توجه به نتایج آماری، در خصوص تأثیر تعاملی جنسیت و سطوح مختلف انسجام خانوادگی بر خود‌پنداره‌ی تحصیلی، تفاوت معنی‌داری وجود ندارد ($F(2, 503) = 0.16, P = N.S$).

تعامل سطوح انعطاف‌پذیری و سطوح انسجام خانوادگی : با توجه به نتایج آزمون در مورد تأثیر تعاملی سطوح مختلف انعطاف‌پذیری و سطوح مختلف انسجام خانوادگی بر خود‌پنداره‌ی تحصیلی، تفاوت معنی‌داری وجود ندارد ($F(4, 503) = 0.88, P = N.S$).

ج) تعامل سه‌طرفه

تعامل جنسیت، سطوح انعطاف‌پذیری و سطوح انسجام خانوادگی : تحقیق انجام شده نشان می‌دهد در مورد تأثیر تعاملی جنسیت، سطوح مختلف انعطاف‌پذیری و سطوح مختلف انسجام خانوادگی بر خود‌پنداره تحصیلی، تفاوت معنی‌داری در این زمینه وجود ندارد ($F(4, 503) = 1.29, P = N.S$).

۴-۲-۳- بررسی تعامل جنسیت، سطوح انعطاف‌پذیری و سطوح انسجام

خانوادگی بر نمره خود‌پنداره‌ی ورزشی: برای آزمون تعامل جنسیت، سطوح انعطاف‌پذیری و سطوح انسجام خانوادگی بر نمره خود‌پنداره‌ی ورزشی از تحلیل واریانس سه‌طرفه استفاده شده که نتایج آن در جداول ۴-۷ و ۴-۸ ارائه شده است؛ جدول ۴-۷ نشانگر میانگین و انحراف معیار خود‌پنداره‌ی ورزشی براساس سه متغیر جنسیت، سطوح انعطاف‌پذیری

و سطوح انسجام خانوادگی و جدول ۴-۸ بیانگر نتایج آزمونهای تحلیل واریانس سه طرفه می باشد

جدول (۴-۷) میانگین و انحراف معیار نمره خودپنداره‌ی ورزشی بر اساس جنسیت، سطوح

انعطاف پذیری و سطوح انسجام خانواده

کل	انعطاف پذیری پائین		انعطاف پذیری متوسط		انعطاف پذیری بالا		
	پسر	دختر	پسر	دختر	پسر	دختر	
انسجام بالا	$\bar{X}=14/72$ SD=4/46	$\bar{X}=16/16$ SD=4/72	$\bar{X}=14/34$ SD=3/93	$\bar{X}=17/57$ SD=4/12	$\bar{X}=16/08$ SD=4/13	$\bar{X}=18/15$ SD=3/81	$\bar{X}=17/05$ SD=2/77
انسجام متوسط	$\bar{X}=16/66$ SD=3/98	$\bar{X}=16$ SD=4/41	$\bar{X}=14/34$ SD=3/93	$\bar{X}=17/43$ SD=3/73	$\bar{X}=16/19$ SD=3/84	$\bar{X}=18/65$ SD=3/28	$\bar{X}=16/57$ SD=2/98
انسجام پائین	$\bar{X}=14/69$ SD=3/96	$\bar{X}=14/95$ SD=4/59	$\bar{X}=12/08$ SD=4/65	$\bar{X}=15/65$ SD=3/75	$\bar{X}=17$ SD=4/71	$\bar{X}=17$ SD=2/38	$\bar{X}=14/09$ SD=3/98
کل	$\bar{X}=14/76$ SD=3/62		$\bar{X}=16/16$ SD=3/97		$\bar{X}=17/25$ SD=4/51		

جدول (۴-۸) تحلیل واریانس سه طرفه برای نمره خودپنداره‌ی ورزشی بر اساس جنسیت، سطوح

انعطاف پذیری و سطوح انسجام خانواده

منابع واریانس	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F	سطح معنی داری
جنسیت	۱۶۲/۴۶	۱	۱۶۲/۴۶	۱۰/۳۲	۰/۰۰۱
سطوح انعطاف پذیری	۲۰۸/۱۹	۲	۱۰۴/۰۹	۶/۶۱	۰/۰۰۱
سطوح انسجام خانوادگی	۱۹۲/۱	۲	۹۶/۰۵	۶/۱	۰/۰۰۲
جنسیت * سطوح انعطاف پذیری	۴۵/۸۴	۲	۲۲/۹۲	۱/۴۵	N.S
جنسیت * سطوح انسجام پذیری	۶/۴۹	۲	۳/۲۴	۱/۲۰۶	N.S
سطوح انعطاف پذیری * سطوح انسجام خانواده	۵۹/۰۷	۴	۱۴/۷۶	۱/۹۳	N.S
جنسیت * سطوح انعطاف * سطوح انسجام خانواده	۸۹/۸۲	۴	۲۲/۴۵	۱/۴۲	N.S
خطا	۷۹۱۱/۶۱	۵۰۳	۱۵/۷۲	-	-
کل	۸۹۸۹/۵	۵۲۰	-	-	-

الف) اثرات اصلی

جنسیت : نتایج حاصله نشان داد، میان دختران و پسران از لحاظ نمره خودپنداره‌ی ورزشی، تفاوت معنی‌داری وجود دارد ($P=0/001$ و $F(1,503)=10/32$) و همچنین پسرها از خودپنداره‌ی ورزشی بالاتری در مقایسه با دختران برخوردارند ($\bar{X}=16/89$ برای پسران ، $\bar{X}=15/51$ برای دختران).

سطوح انعطاف‌پذیری : با توجه به نتایج ، میان سطوح مختلف انعطاف‌پذیری خانواده به لحاظ نمره خودپنداره‌ی ورزشی تفاوت معنی‌داری وجود دارد ($P=0/001$ و $F(2,503)=6/61$) و با توجه به آزمون تعقیبی شفه، سطح انعطاف‌پذیری متوسط نسبت به سطح انعطاف‌پذیری پائین دارای نمره خودپنداره‌ی ورزشی بالاتری هستند و بین سطح انعطاف‌پذیری متوسط و سطح انعطاف‌پذیری بالا تفاوت معنی‌داری وجود ندارد همچنین سطح انعطاف‌پذیری بالا در مقایسه با سطح پایین دارای تفاوت معنی‌داری است ($\bar{X}=14/77$ برای انعطاف‌پذیری پائین، $\bar{X}=16/61$ برای انعطاف‌پذیری متوسط، $\bar{X}=17/26$ برای انعطاف‌پذیری بالا)

سطوح انسجام خانوادگی : نتایج تحقیق نشان داد که میان سطوح مختلف انسجام خانوادگی از لحاظ نمره خودپنداره‌ی ورزشی، تفاوت معنی‌داری وجود دارد ($P=0/002$ و $F(2,503)=6/10$) و با استفاده از آزمون تعقیبی شفه مشخص شد که سطح انسجام خانوادگی متوسط و بالا نسبت به سطح انسجام خانوادگی پائین دارای نمره خودپنداره‌ی ورزشی بالاتری هستند ولی بین سطوح انسجام خانوادگی متوسط و بالا تفاوت معنی‌داری وجود ندارد ($\bar{X}=14/98$ برای انسجام خانوادگی پائین، $\bar{X}=16/67$ برای انسجام خانوادگی متوسط، $\bar{X}=16/72$ برای انسجام خانوادگی بالا).

ب) تعاملات دو طرفه

تعامل جنسیت و سطوح انعطاف پذیری: با توجه به نتایج حاصله، در مورد تأثیر تعاملی جنسیت و سطوح مختلف انعطاف پذیری بر خودپنداره‌ی ورزشی تفاوت معنی‌داری ملاحظه نشد ($F(2, 503) = 1/45$ و $P=N.S$).

تعامل جنسیت و سطوح انسجام خانوادگی: نتایج پژوهش نشان داد، تأثیر تعاملی جنسیت و سطوح انسجام خانوادگی بر خودپنداره‌ی ورزشی معنی‌دار نیست ($P=N.S$) و $0/206$ $(F(2, 503) =$

تعامل سطوح انعطاف‌پذیری و سطوح انسجام خانوادگی: نتایج تحقیق نشان داد، تأثیر تعاملی سطوح انعطاف خانوادگی و سطوح انسجام خانوادگی بر خودپنداره‌ی ورزشی معنی‌دار نیست ($F(4, 503) = 0/93$ و $P=N.S$).

ج) تعاملات سه طرفه

تعامل جنسیت، سطوح انعطاف‌پذیری و سطوح انسجام خانوادگی: با توجه به نتایج پژوهش، تأثیر تعاملی جنسیت، سطوح انعطاف‌پذیری و سطوح انسجام خانوادگی بر خودپنداره‌ی ورزشی معنی‌دار نیست ($F(4, 503) = 1/42$ و $P=N.S$).

۴-۲-۴- بررسی تعامل جنسیت، سطوح انعطاف‌پذیری و سطوح انسجام

خانوادگی بر نمره‌ی خودپنداره‌ی اجتماعی: برای آزمون تعامل جنسیت، سطوح انعطاف‌پذیری و سطوح انسجام خانوادگی بر نمره خودپنداره‌ی اجتماعی از تحلیل واریانس سه‌طرفه استفاده شد. نتایج این آزمون در جداول ۹-۴ و ۱۰-۴ ارائه شده است. جدول شماره ۹-۴ نشانگر میانگین و انحراف معیار خودپنداره‌ی اجتماعی براساس سه متغیر جنسیت، سطوح انعطاف‌پذیری و سطوح انسجام خانوادگی است و جدول شماره ۱۰-۴ نیز بیانگر نتایج آزمون‌های تحلیل واریانس سه‌طرفه می‌باشد.

جدول (۹-۴) میانگین و انحراف معیار نمره خودپنداره‌ی اجتماعی بر اساس جنسیت سطوح

انعطاف‌پذیری و سطوح انسجام خانواده

کل	انعطاف‌پذیری پائین		انعطاف‌پذیری متوسط		انعطاف‌پذیری بالا		
	پسر	دختر	پسر	دختر	پسر	دختر	
انسجام بالا	$\bar{X}=19/4$ SD=3/39	$\bar{X}=18/6$ SD=2/4	$\bar{X}=17/60$ SD=3/01	$\bar{X}=20/07$ SD=2/09	$\bar{X}=19/55$ SD=2/92	$\bar{X}=19/59$ SD=2/26	$\bar{X}=20/05$ SD=2/36
انسجام متوسط	$\bar{X}=18/48$ SD=3/66	$\bar{X}=17/86$ SD=2/56	$\bar{X}=17/46$ SD=2/71	$\bar{X}=18/66$ SD=2/24	$\bar{X}=18/19$ SD=3/07	$\bar{X}=20/02$ SD=2/43	$\bar{X}=18/51$ SD=2/16
انسجام پائین	$\bar{X}=19/4$ SD=2/72	$\bar{X}=6/53$ SD=3/71	$\bar{X}=17/43$ SD=3/83	$\bar{X}=18$ SD=2/82	$\bar{X}=17/7$ SD=3/49	$\bar{X}=18/69$ SD=2/56	$\bar{X}=17/72$ SD=2/9
کل	$\bar{X}=17/33$ SD=2/49		$\bar{X}=18/7$ SD=2/82		$\bar{X}=19/21$ SD=3/20		

جدول (۱۰-۴) تحلیل واریانس سه‌طرفه برای نمره خودپنداره‌ی اجتماعی بر اساس جنسیت سطوح

انعطاف‌پذیری و سطوح انسجام خانواده

سطح معنی‌داری	F	میانگین مربعات	درجه آزادی	مجموع مربعات	منابع واریانس
N.S	1/75	13/91	1	13/91	جنسیت
0/001	7/38	58/68	2	117/37	سطوح انعطاف‌پذیری
0/001	6/81	54/19	2	108/39	سطوح انسجام
N.S	0/15	1/24	2	2/49	جنسیت*سطوح انعطاف‌پذیری
N.S	0/60	4/84	2	9/68	جنسیت*سطوح انسجام
N.S	0/51	4/08	4	16/32	سطوح انعطاف‌پذیری*سطوح انسجام
N.S	0/99	7/91	4	31/64	جنسیت*سطوح انعطاف*سطوح انسجام
-	-	7/95	503	3999/89	خطا
-	-	-	520	4515/09	کل

الف) اثرات اصلی

سطوح انعطاف پذیری : با توجه به نتایج تحقیق، میان سطوح مختلف انعطاف پذیری خانواده به لحاظ نمره خودپنداره‌ی اجتماعی، تفاوت معنی‌داری وجود دارد ($P=0/001$ و $7/38$ و $F(2,503)=$. با توجه به نتایج آزمون تعقیبی شفه، سطح انعطاف‌پذیری متوسط و بالا در مقایسه با سطح انعطاف‌پذیری پائین دارای نمره خودپنداره‌ی اجتماعی بیشتری هستند ولی بین سطوح انعطاف‌پذیری متوسط و بالا، تفاوت معنی‌داری دیده نشد. $\bar{X}=17/34$ برای ، انعطاف‌پذیری پائین، $\bar{X}=18/71$ برای انعطاف‌پذیری متوسط، $\bar{X}=19/22$ برای انعطاف‌پذیری بالا).

سطوح انسجام خانواده : با توجه به نتایج آماری، میان سطوح مختلف انسجام خانوادگی به لحاظ نمره خودپنداره‌ی اجتماعی، تفاوت معنی‌داری وجود دارد ($P=0/001$ و $6/81$ و $F(2,503)=$. با توجه به نتایج آزمون تعقیبی شفه، هرچه انسجام خانوادگی بالاتر باشد، نمره خودپنداره‌ی اجتماعی نیز بالاتر است ($\bar{X}=17/45$ برای انسجام خانوادگی پائین، $\bar{X}=18/48$ برای انسجام خانوادگی متوسط، $\bar{X}=19/40$ برای انسجام خانوادگی بالا).
جنسیت : نتایج حاصل نشان داد میان دختران و پسران از لحاظ نمره خودپنداره‌ی اجتماعی، تفاوت معنی‌داری وجود ندارد ($F(1,503)=1/75$ و $P=N.S$).

ب) تعاملات دوطرفه

تعامل جنسیت و سطوح انعطاف‌پذیری : با توجه به نتایج آزمون، در مورد تأثیر تعاملی جنسیت و سطوح انعطاف‌پذیری بر نمره خودپنداره‌ی اجتماعی، تفاوت معنی‌داری وجود ندارد ($F(2,503)=0/15$ و $P=N.S$).

تعامل جنسیت و سطوح انسجام خانوادگی : نتایج پژوهش نشان داد، تأثیر تعاملی جنسیت و سطوح انسجام خانوادگی بر نمره خودپنداره‌ی اجتماعی معنی‌دار نیست ($P=N.S$ و $F(2,503)=0/60$).

تعامل سطوح انعطاف پذیری و سطوح انسجام خانوادگی : نتایج تحقیق نشان داد، تأثیر تعاملی سطوح انعطاف پذیری و سطوح انسجام خانوادگی بر نمره خودپنداره‌ی اجتماعی معنی‌دار نیست ($F(4, 503) = 0.72$ و $P=N.S$).

ج) تعاملات سه‌طرفه

تعامل جنسیت، سطوح انعطاف‌پذیری و سطوح انسجام خانوادگی : با توجه به نتایج آماری تأثیر تعاملی جنسیت، سطوح انعطاف‌پذیری و سطوح انسجام خانوادگی بر نمره خودپنداره‌ی اجتماعی، تفاوت معنی‌داری وجود ندارد ($F(4, 503) = 0.99$ و $P=N.S$).

۴-۲-۵- بررسی تعامل جنسیت، سطوح انعطاف‌پذیری و سطوح انسجام

خانوادگی بر نمره خودپنداره‌ی ارزشی: برای آزمون تعامل جنسیت، سطوح

انعطاف‌پذیری و سطوح انسجام خانوادگی بر نمره خودپنداره‌ی ارزشی از تحلیل واریانس

سه‌طرفه استفاده شده است که نتایج آن در جداول ۴-۱۱ و ۴-۱۲ ارائه گردیده است؛

جدول (۴-۱۱) میانگین و انحراف معیار نمره خودپنداره‌ی ارزشی براساس جنسیت، سطوح

انعطاف‌پذیری و سطوح انسجام خانواده

کل	انعطاف‌پذیری پائین		انعطاف‌پذیری متوسط		انعطاف‌پذیری بالا		
	پسر	دختر	پسر	دختر	پسر	دختر	
$\bar{X} = 20.15$ $SD = 3.34$	$\bar{X} = 20.12$ $SD = 1.09$	$\bar{X} = 19$ $SD = 2.44$	$\bar{X} = 20.15$ $SD = 2.73$	$\bar{X} = 20.94$ $SD = 5.47$	$\bar{X} = 20.47$ $SD = 2.5$	$\bar{X} = 20.47$ $SD = 2.79$	انسجام بالا
$\bar{X} = 19.31$ $SD = 2.96$	$\bar{X} = 18.46$ $SD = 2.92$	$\bar{X} = 18.75$ $SD = 3.5$	$\bar{X} = 18.98$ $SD = 2.54$	$\bar{X} = 19.89$ $SD = 2.94$	$\bar{X} = 20.45$ $SD = 2.73$	$\bar{X} = 19.17$ $SD = 3.17$	انسجام متوسط
$\bar{X} = 17.57$ $SD = 4.13$	$\bar{X} = 16.87$ $SD = 3.35$	$\bar{X} = 16.86$ $SD = 3.6$	$\bar{X} = 17.76$ $SD = 2.94$	$\bar{X} = 18.11$ $SD = 3.87$	$\bar{X} = 19$ $SD = 2.16$	$\bar{X} = 18.63$ $SD = 3.64$	انسجام پائین
$N = 521$	$\bar{X} = 17.94$ $SD = 2.91$		$\bar{X} = 19.56$ $SD = 3.79$		$\bar{X} = 19.82$ $SD = 3.32$		کل

جدول (۱۲-۴) تحلیل واریانس سه طرفه برای نمره خودپنداره‌ی ارزشی براساس جنسیت، سطوح

انعطاف‌پذیری و سطوح انسجام خانواده

منابع واریانس	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F	سطح معنی‌داری
جنسیت	۰/۷۹	۱	۰/۷۹	۰/۰۷	N.S
سطوح انعطاف‌پذیری	۹۵/۶۲	۲	۴۷/۸۱	۴/۲۱	۰/۰۱۵
سطوح انسجام خانوادگی	۲۷۵/۸۱	۲	۱۳۷/۹	۱۲/۱۴	۰/۰۰۱
جنسیت* سطوح انعطاف‌پذیری	۲۳/۷۲	۲	۱۱/۸۶	۱/۴	N.S
جنسیت* سطوح انسجام خانوادگی	۰/۸۲	۲	۰/۴۱	۰/۰۳	N.S
سطوح انعطاف‌پذیری* سطوح انسجام	۱۵/۰۵	۴	۳/۷۶	۰/۳۳	N.S
جنسیت* سطوح انعطاف* سطوح انسجام	۲۱/۱۵	۴	۵/۲۸	۰/۴۶	N.S
خطا	۵۷۱۰/۰۲	۵۰۳	۱۱/۳۵	—	—
کل	۶۵۰۹/۷	۵۲۰	—	—	—

الف) اثرات اصلی

سطوح انعطاف‌پذیری: نتایج پژوهش نشان داد، میان سطوح مختلف انعطاف‌پذیری به لحاظ نمره خودپنداره‌ی ارزشی، تفاوت معنی‌داری وجود دارد ($P=0/015$ و $F(2,503)=4/21$). با توجه به نتایج آزمون تعقیبی شفه، سطح انعطاف‌پذیری متوسط و بالا در مقایسه با سطح انعطاف‌پذیری پائین دارای نمره خودپنداره‌ی ارزشی بالاتری هستند؛ ولی بین سطوح انعطاف‌پذیری متوسط و بالا تفاوت معنی‌داری وجود ندارد ($\bar{X}=17/95$ برای انعطاف‌پذیری پائین، $\bar{X}=19/56$ برای انعطاف‌پذیری متوسط، $\bar{X}=19/83$ برای انعطاف‌پذیری بالا).

سطوح انسجام خانوادگی: با توجه به نتایج پژوهش، میان سطوح مختلف انسجام خانوادگی به لحاظ نمره خودپنداره‌ی ارزشی تفاوت معنی‌داری وجود دارد ($P=0/001$ و $F(2,503)=275/81$). با توجه به آزمون تعقیبی شفه، هرچه انسجام خانوادگی بالاتر باشد، نمره خودپنداره نیز بالاتر است؛ بدین معنا که میان سه گروه تفاوت معنی‌داری وجود دارد ($\bar{X}=17/57$ برای انعطاف‌پذیری پائین، $\bar{X}=19/32$ برای انعطاف‌پذیری متوسط، $\bar{X}=20/51$ برای انعطاف‌پذیری بالا).

جنسیت : نتایج حاصل نشان داد میان دختران و پسران از لحاظ نمره خودپنداره‌ی ارزشی تفاوت معنی‌دار وجود ندارد ($F(1, 503) = 0/07$ و $P=N.S$).

ب) تعاملات دوطرفه

تعامل جنسیت و سطوح انعطاف‌پذیری : با توجه به نتایج آماری در مورد تأثیر تعاملی جنسیت و سطوح انعطاف‌پذیری بر خودپنداره‌ی ارزشی، تفاوت معنی‌داری وجود ندارد ($F(2, 503) = 1/40$ و $P=N.S$).

تعامل جنسیت و سطوح انسجام خانوادگی : با توجه به نتایج تحقیق در مورد تأثیر تعاملی جنسیت و سطوح انسجام خانوادگی بر خودپنداره‌ی ارزشی، تفاوت معنی‌داری وجود ندارد ($F(2, 503) = 0/03$ و $P=N.S$).

تعامل سطوح انسجام خانوادگی و سطوح انعطاف‌پذیری خانواده : با توجه به نتایج حاصله در خصوص تأثیر تعاملی سطوح انعطاف‌پذیری و سطوح انسجام خانوادگی بر خودپنداره‌ی ارزشی، تفاوت معنی‌داری وجود ندارد ($F(4, 503) = 1/75$ و $P=N.S$).

ج) تعاملات سه‌طرفه

تعامل جنسیت، سطوح انعطاف‌پذیری و سطوح انسجام خانوادگی : با توجه به نتایج حاصله در مورد تأثیر تعاملی جنسیت، سطوح انعطاف‌پذیری و سطوح انسجام خانوادگی بر خودپنداره‌ی ارزشی، تفاوت معنی‌داری وجود ندارد ($F(4, 503) = 0/46$ و $P=N.S$).

۴-۲-۶- مقایسه‌ی اهمیت انسجام و انعطاف‌پذیری در تأثیر بر خودپنداره‌ی کلی

برای مقایسه‌ی اهمیت انسجام و انعطاف‌پذیری در تأثیر بر خودپنداره‌ی کلی از آزمون آماری رگرسیون همزمان استفاده شد که نتایج آن در جدول ۴-۱۳ قابل ملاحظه است.

جدول (۴-۱۳) نتایج تحلیل رگرسیون همزمان برای بررسی قدرت پیش‌بینی کنندگی ابعاد انسجام و انعطاف‌پذیری درباره‌ی خودپنداره کلی

متغیر	R	R2	Beta	F	df	P<
انسجام	۰/۴۰	۰/۱۶	۰/۲۷	۵۰/۳۶	۲ و ۵۱۸	۰/۰۰۱
انعطاف‌پذیری			۰/۲۳			

ملاحظه می‌کنیم که مقدار قدرت پیش‌بینی دو متغیر انسجام و انعطاف‌پذیری خانواده بر روی خودپنداره‌ی کلی برابر با ۰/۱۶ است ($P < ۰/۰۰۱$) و $F(۵۱۸, ۲) = ۵۰/۳۶$. در ضمن مشخص شد که انسجام خانواده پیش‌بینی کننده‌ی بهتری نسبت به انعطاف‌پذیری برای نمره‌ی خودپنداره‌ی کلی است.

فصل پنجم تفسیر نتایج

۵- بحث و بررسی یافته‌ها

هدف از انجام این پژوهش، بررسی تأثیر انسجام و انعطاف‌پذیری خانواده بر خودپنداره‌ی نوجوانان پسر و دختر بود. بدین منظور سؤالات پژوهشی زیر مطرح شدند و مورد آزمون قرار گرفتند. در این بخش، سؤالات مذکور، نتایج بدست آمده و تفاسیر مربوط به آن ارائه می‌گردد.

۱- آیا جنسیت، انعطاف‌پذیری و انسجام خانواده بر خودپنداره‌ی، کلی

نوجوانان تأثیر دارد؟

نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل واریانس سه‌طرفه که در جدول شماره‌ی ۴-۴ ذکر گردیده است، حاکی از یافته‌های زیر می‌باشد:

الف: تأثیر اصلی متغیر جنسیت بر خودپنداره‌ی کلی نوجوانان معنی‌دار بود. بدین معنی که پسران در مقایسه با دختران از نمره‌ی خودپنداره‌ی کلی بالاتری برخوردار بودند. در این زمینه پژوهش میلگرام و میلگرام (۱۹۷۶) نیز حاکی از آن است که نمره‌ی کلی خودپنداره‌ی پسران بیشتر از دختران است. در مقابل پژوهش اشنیدر و

همکاران (۱۹۸۹) نشان می‌دهد که دختران نسبت به پسران دارای خودپنداره‌ی بالاتری هستند.

پژوهش البرزی و سامانی (۱۳۷۸) و تونگ و یوچاک، (۱۹۹۷) نیز نشان می‌دهد که بین خودپنداره‌ی کلی دختران و پسران تفاوتی موجود نیست. در تفسیر این یافته می‌توان فرض کرد که هر جامعه در کنار نقش‌های اجتماعی، فرصت‌ها و امکانات متفاوتی را به اعضاء خود محول می‌کند

جامعه‌ی زنان از دیرباز مشارکت کمتری در عرصه‌های مختلف داشته‌اند. بویژه در جوامعی که بر تفاوت‌های سنتی بین دو جنس بیشتر تأکید می‌ورزند، فعالیت‌های زنان در عرصه‌های مختلف در مقایسه با مردان با محدودیت‌های بیشتری مواجه می‌گردد و این امر می‌تواند منجر به کاهش خودپنداره‌ی دختران در مقایسه با پسران گردد.

با توجه به این امر که جامعه‌ی آماری این پژوهش مربوط به شهرستان سپیدان و روستاهای اطراف بوده است و از آنجا که در شهرستانها و روستاها نقش‌های سنتی بیشتر مورد تأکید قرار می‌گیرند، بنابراین خودپنداره‌ی پایین‌تر دختران در مقایسه با پسران قابل توجیه بنظر می‌رسد. لازم به ذکر است که قسمت عمده‌ی تفاوت‌های موجود در خودپنداره‌ی کلی پسران و دختران ناشی از تفاوت موجود در خودپنداره‌ی ورزشی پسران و دختران می‌باشد. بنابراین خودپنداره‌ی ورزشی عامل اصلی ایجاد تفاوت در خودپنداره‌ی کلی به نفع پسران است.

ب: انعطاف‌پذیری خانواده بر خودپنداره‌ی کلی آزمودنیها تأثیر معنی‌دار داشت. بدین معنی که در مجموع انعطاف‌پذیری بیشتر والدین منجر به خودپنداره‌ی کلی بالاتر در آزمودنیها می‌گردد.

بدون شک خانواده اولین محل شکل‌گیری برداشت فرد از خود است. نظر والدین در مورد فرزندان (که بصورت آشکار یا ضمنی ارائه می‌شود) چه بسا بیش از تجربه‌ی مستقیم خود کودکان در شکل‌گیری خودپنداره‌ی آنان مؤثر باشد. والدین انعطاف‌پذیر با مورد توجه قرار دادن نیازها و توانمندی‌های کودکان، زمینه‌ی شکل‌گیری یک نگرش مثبت نسبت به خود را در کودکان بوجود می‌آورند. بنابراین انعطاف‌پذیری بیشتر والدین می‌تواند منجر به خودپنداره‌ی کلی بالاتر در افراد شود.

ج: تأثیر انسجام خانواده بر خودپنداره‌ی کلی آزمودنیها معنی‌دار بود. بدین معنی که در مجموع با افزایش میزان انسجام خانواده، نمره‌ی خودپنداره‌ی کلی افراد افزایش می‌یافت. وجود نزدیکی عاطفی بین اعضای خانواده و احساس تعهد در مقابل یکدیگر باعث می‌شود تا کودکانی که در خانواده‌های دارای انسجام کافی پرورش می‌یابند، از یک امنیت روانی برخوردار گردیده و در مواجهه با دنیای بیرون از خانه و اجتماع از اعتماد به نفس بیشتری برخوردار باشند و با عاطفه‌ی مثبت بیشتری با تکالیف فردی و اجتماعی خود مواجه گردند و بالطبع میزان خودپنداره‌ی کلی آنان بالاتر است.

۲- آیا جنسیت، انعطاف‌پذیری و انسجام خانواده بر خودپنداره‌ی تحصیلی

نوجوانان تأثیر دارد؟

نتایج حاصل از تحلیل واریانس سه‌طرفه که در جدول ۴-۶ ذکر گردیده است، حاکی از یافته‌های زیر می‌باشد.

الف: انعطاف‌پذیری خانواده بر خودپنداره‌ی تحصیلی افراد تأثیر معنی‌دار دارد. بدین معنی که در مجموع با افزایش انعطاف‌پذیری خانواده خودپنداره‌ی تحصیلی دانش‌آموزان افزایش می‌یابد. والدین انعطاف‌پذیر در ارزیابی از عملکرد تحصیلی فرزندان، شرایط و توانمندی کودکان خود را لحاظ می‌نمایند و از تعیین استانداردهای

خشک و انعطاف ناپذیر برای عملکرد تحصیلی فرزندان خود پرهیز می‌کنند که این امر به نوبه‌ی خود می‌تواند به ایجاد یک ادراک واقعی‌تر و مثبت‌تر از توانمندی در کودکان کمک کند.

ب: انسجام خانواده بر خودپنداره‌ی تحصیلی تأثیر معنی‌دار داشت. بدین معنی که در مجموع انسجام بالاتر خانواده منجر به خودپنداره‌ی تحصیلی بالاتر می‌شود.

وجود انسجام بالا بین اعضاء خانواده توانمندیهای کودک را در همه‌ی زمینه‌ها بویژه زمینه‌های تحصیلی افزایش می‌دهد. بر طبق نظر باولبی وجود یک دلبستگی ایمن به والدین منجر به تسهیل رفتار اکتشافی در کودکان می‌شود (بالبی^۱، ۱۹۸۸، ۱۹۸۰، ۱۹۷۳، ۱۹۶۹ به‌نقل از سیگلمن^۲، شیفر^۳، ۱۹۹۵). به همین ترتیب می‌توان فرض کرد که وجود انسجام کافی در خانواده با ایجاد پایه روانی امن در فرزندان منجر به کسب توانمندیهای شناختی بیشتر گردیده و اعتماد به نفس کافی برای روبرو شدن با تکالیف مدرسه را فراهم می‌کند.

۳- آیا جنسیت، انعطاف‌پذیری و انسجام خانواده بر خودپنداره‌ی ورزشی

نوجوانان تأثیر دارد؟

نتایج حاصل از تحلیل واریانس سه طرفه که در جدول شماره‌ی ۱۰-۴ ذکر گردیده است حاکی از یافته‌های زیر است:

الف: بین دختران و پسران از نظر خودپنداره‌ی ورزشی تفاوت معنی‌دار وجود دارد. بدین معنی که خودپنداره‌ی ورزشی پسران بالاتر از خودپنداره‌ی ورزشی دختران می‌باشد. با توجه به این امر که انجام فعالیت‌های ورزشی در جامعه‌ی ما بیشتر یک فعالیت متناسب با نقش جنسی مردان محسوب می‌گردد، فعالیت‌های ورزشی دختران

^۱- Bowlby
^۲- Sigelman
^۳- Schaefer

حمایت چندانی را از سوی عوامل تأثیر گذار اجتماعی جلب نمی‌کند. از همان ابتدای کودکی انتظارات نقش جنسی دختران خردسال را به بازیهای با فعالیت بدنی کمتر تشویق می‌کند. بنابراین مهارت پایین در زمینه‌ی فعالیت‌های ورزشی و متعاقباً خودپنداره‌ی پایین ورزشی در دختران، بویژه در جامعه‌ی سنتی ایران قابل توجه است.

احتمال دیگری نیز مطرح است و آن اینکه چون در جامعه‌ی ما بطور قالبی منظور از ورزش فعالیت‌های رسمی نظیر فوتبال و والیبال است، از آنجا که دختران کمتر از پسران به ورزشهای رسمی می‌پردازند، این احتمال وجود دارد که دختران فعالیت‌های بدنی خود را که اغلب بصورت غیر رسمی (نظیر پیاده‌روی) انجام می‌شود را جزء فعالیت ورزشی به حساب نیاورند.

ب: انعطاف‌پذیری خانواده بر خودپنداره‌ی ورزشی افراد تأثیر معنی‌دار دارد. بدین معنی که در مجموع انعطاف‌پذیری بالاتر باعث ایجاد خودپنداره‌ی ورزشی بیشتری می‌شود.

یک تبیین احتمالی برای یافته‌ی فوق می‌تواند به این نحو باشد که رشد فعالیت‌های بدنی و حرکتی افراد تحت تأثیر میزان کلی خودپنداره‌ی باشد که به نوبه خود تحت تأثیر عوامل خانوادگی و از جمله انعطاف‌پذیری والدین می‌باشد. بدین معنی که محیط خانوادگی مناسب، فرصت کافی برای کسب مهارت‌های حرکتی را تأمین می‌کند. و در کنار آن با ایجاد خودپنداره‌ی مناسب و عاطفه‌ی مثبت منجر به دستیابی به سطح بالاتری از مهارت‌های ورزشی شده و خودپنداره‌ی ورزشی بالاتری را موجب می‌شود همچنین خانواده‌هایی که انعطاف پذیرتر هستند، فرصت بیشتری برای بروز رفتارهای

خود انگيخته و فعاليت‌هاي بدني مختلف به فرزندانش ارائه مي‌دهند و اين امر با افزايش رشد حرکتی منجر به افزايش خودپنداره‌ی بدنی می‌شود.

ج: انسجام خانواده بر نمره خودپنداره‌ی ورزشی تأثیر معنی‌دار دارد. بدین معنی که در مجموع انسجام خانوادگی بالاتر منجر به خودپنداره‌ی ورزشی بالاتر می‌گردد. چنانچه قبلاً ذکر گردید خانواده با فراهم آوردن جو فیزیکی و عاطفی می‌تواند منجر به رشد مهارت‌های واقعی افراد و به تبع آن رشد خودپنداره‌ی افراد در آن زمینه‌ی خاص گردد. تبیین احتمالی دیگر این است که صرف نظر از میزان واقعی مهارت‌ها، افرادی که از محیط خانوادگی مناسب برخوردار بوده‌اند، بطوریکه نیاز آنان به امنیت روانی و حمایت عاطفی تأمین می‌گردیده است، در مجموع نسبت به مهارت‌ها و قابلیت‌های خود نگرش مثبت تری دارند.

۴- آیا جنسیت، انعطاف‌پذیری و انسجام خانواده بر خودپنداره‌ی اجتماعی

نوجوانان تأثیر دارد؟

نتایج حاصل از تحلیل واریانس سه‌طرفه که در جدول شماره‌ی ۱۰-۴ ذکر گردیده است، حاکی از یافته‌های زیر می‌باشد:

الف: انعطاف‌پذیری خانواده بر نمره‌ی خودپنداره‌ی اجتماعی تأثیر معنی‌دار دارد. بدین معنی که در مجموع انعطاف‌پذیری بالاتر خانواده منجر به خودپنداره‌ی اجتماعی بالاتر می‌شود. در تبیین این یافته می‌توان گفت که خانواده محل شکل‌گیری اولین تعاملات اجتماعی است. انعطاف‌پذیری والدین باعث می‌شود تا کودک در تعاملات اجتماعی خود با والدین به رضایت دست یابد و رشد و بالندگی وی در برقراری ارتباط با دیگران ارتقاء یابد. این امر موجب می‌شود تا کودک در خارج از محیط خانواده نیز

از دیگران انتظار تکامل سازنده داشته باشد و با روحیه بهتری در عرضه تعاملات اجتماعی ظاهر شود که هم بر خودپنداره‌ی فرد و هم بر مهارت اجتماعی واقعی وی تأثیر مثبت خواهد داشت.

ب: انسجام خانواده بر نمره‌ی خودپنداره‌ی اجتماعی تأثیر معنی‌دار دارد. بدین معنی که در مجموع افزایش انسجام خانواده منجر به افزایش خودپنداره‌ی اجتماعی می‌شود. تبیین احتمالی برای این یافته می‌تواند بدین شرح باشد که نزدیکی عاطفی اعضای خانواده و احساس تعهد نسبت به همدیگر عناصر اصلی و زیر بنایی تشکیل دهنده‌ی یک رابطه‌ی اجتماعی سالم را به کودکان یاد می‌دهد و کودکان با یادگیری مستقیم فرایندهای تعهد و نزدیکی عاطفی در خانواده در تعاملات اجتماعی خود به شکل سازنده‌تری عمل نموده و ضمن کسب موفقیت به خودپنداره‌ی اجتماعی بالاتری نیز دست می‌یابند.

۵- آیا جنسیت، انعطاف‌پذیری و انسجام خانواده بر خودپنداره‌ی ارزشی

نوجوانان تأثیر دارد؟

نتایج حاصل از تحلیل واریانس سه طرفه که در جدول شماره‌ی ۱۱-۴ ذکر گردیده است به شرح زیر می‌باشد:

الف: انعطاف‌پذیری خانواده بر خودپنداره‌ی ارزشی نوجوانان تأثیر معنی‌دار دارد. بدین معنی که در مجموع انعطاف‌پذیری بیشتر خانواده منجر به خودپنداره‌ی ارزشی بالاتری می‌شود. نوع برداشتی که انسان در همه‌ی زمینه‌ها نسبت به خود دارد تا حدود زیادی ناشی از نحوه تکامل فرد با اعضای جامعه بویژه اعضای خانواده است.

انعطاف‌پذیری والدین منجر می‌گردد تا کودکان در رفع نیازهای جسمی و روحی خود در خانواده مشکل خاصی نداشته باشند و این امر موجب می‌شود فرد نسبت به دیگران نظر مثبتی پیدا کند و خود را نیز موجودی پذیرفتنی، با ارزش، و دوست‌داشتنی تلقی کنند.

ب: تأثیر اصلی انسجام خانواده بر خودپنداره‌ی ارزشی معنی‌دار است. بدین معنی که با افزایش انسجام خانواده خودپنداره‌ی ارزشی افراد افزایش می‌یابد. وابستگی عاطفی اعضای خانواده و احساس تعهد نسبت به همدیگر نیز می‌تواند منجر به شکل‌گیری تصویری مثبت در اعضای خانواده نسبت به خود گردد. و افراد بویژه کودکان و نوجوانان از اینکه در خانه مورد پذیرش سایر اعضا قرار می‌گیرند و در سایه امنیت روانی ناشی از احساس تعهد اعضا خانواده نسبت به همدیگر، از خودپنداره‌ی ارزشی بیشتری برخوردار می‌گردند.

در مجموع می‌توان فرض کرد که انعطاف و انسجام خانواده از متغیرهای موثر بر رشد فرزندان در همه زمینه‌ها می‌باشد. والدین دارای انعطاف بالا محیط فیزیکی و روانی کودک را متناسب با نیازها و علایق و فعالیت‌های کودکان شکل می‌دهند و به هنگام تغییر خواسته‌ها و علایق فرزندان آنها نیز با انعطاف‌پذیری مقررات، قواعد نقش‌ها و شرایط محیطی را در جهت تحقق استعدادهای کودکان خود تغییر می‌دهند. به همین دلیل انتظار می‌رود که انعطاف والدین در اغلب زمینه‌ها منجر به پیامدهای رشدی مثبت گردد. میزان صمیمیت و تعهد والدین و اعضای خانواده نیز با تأمین نیازهای عاطفی کودکان منجر به احساس امنیت و تسهیل رشد فرزندان می‌گردد.

۶- مقایسه‌ی اهمیت انسجام و انعطاف‌پذیری در تأثیر بر خودپنداره‌ی کلی

برای مقایسه‌ی اهمیت انسجام و انعطاف‌پذیری در تأثیر بر خودپنداره‌ی کلی از آزمون آماری رگرسیون همزمان استفاده شد که نتایج آن در جدول ۱۳-۴ قابل ملاحظه است. نتایج نشان داد که مقدار قدرت پیش‌بینی دو متغیر انسجام و انعطاف‌پذیری خانواده بر روی خودپنداره‌ی کلی برابر با ۰/۱۶ است در ضمن مشخص شد که انسجام خانواده پیش‌بینی کننده‌ی بهتری نسبت به انعطاف‌پذیری برای نمره‌ی خودپنداره‌ی کلی است که علت این مسأله ممکن است به‌خاطر "جمع‌گرا" بودن جامعه مورد بررسی باشد.

۵-۱-۱- پیشنهادها:

۵-۱-۱-۱- پیشنهادات تحقیقی:

از آنجایی که مدل السون خانواده را از سه بعد مورد بررسی قرار می‌دهد لذا انجام پژوهش درباره نحوه‌ی اثر گذاری بعد دیگر نظریه‌ی السون (ارتباطات در خانواده) بر شکل گیری خودپنداره‌ی ضروری به نظر می‌رسد.

۵-۱-۲- پیشنهادات تربیتی:

بر مبنای نتایج بدست آمده از این پژوهش و با توجه به اینکه انجام این پژوهش نقش خانواده را در شکل گیری خودپنداره‌ی فرزندان بیش از پیش روشن می‌کند، پیشنهاد می‌گردد که در نظام تعلیم و تربیت بر جایگاه خانواده بیش از پیش تأکید شود و آموزش خانواده در رأس برنامه‌های آموزشی نظام تعلیم و تربیت قرار گیرد. با حساس سازی والدین نسبت به روشهای فرزند پروریشان و آموزش شیوه‌های صحیح مشاهده‌ی رفتار جهت ارزیابی واقع بینانه والدین از عمل فرزند پروری خود می‌توان روشهای تربیت فرزندان را در خانواده‌ها اصلاح نموده و بهبود بخشید.

شناخت کودکانی که در خانواده‌های نامتعادل پرورش یافته‌اند و انجام اقدامات حمایتی و ارائه‌ی مشاوره و خدمات مددکاری و راهنمایی خانواده نیز می‌تواند کمک

مؤثری به سلامت روانی اعضای جامعه باشد. و در ایجاد یک توسعه‌ی پایدار اجتماعی سهم بسزایی را ایفا نماید.

با توجه به اینکه نتایج پژوهش حاکی از خودپنداره‌ی ورزشی پایین‌تر در دختران می‌باشد و از آنجا که همگانی کردن ورزش بانوان تضمین‌کننده‌ی سلامت ارکان خانواده و نسل آینده می‌باشد توصیه می‌گردد، رسانه‌ها و نظام رسمی تعلیم و تربیت و سازمان تربیت بدنی به اهمیت ورزش بانوان تأکید نمایند. و با تهیه امکانات ورزشی مورد نیاز بانوان محدودیت‌ها و موانع فرهنگی، اجتماعی، و اقتصادی ورزش بانوان را رفع نمایند.

منابع

الف) فارسی

احدی، حسن و شکوه السادات بنی جمالی. (۱۳۷۶). روانشناسی رشد: (مفاهیم بنیادی در روانشناسی کودک) چاپ دهم. تهران. انتشارات رشد.

احدی، حسن و نیک‌چهره محسنی. (۱۳۷۰). روانشناسی رشد (مفاهیم بنیادی در روانشناسی نوجوانی و جوانی). چاپ اول تهران: انتشارات رشد.

البرزی، شهلا و سیامک سامانی. (۱۳۷۸). مقایسه خودپنداره در میان دختران و پسران دانش آموز مقطع راهنمایی تیزهوشان شهر شیراز. مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز-دوره چهاردهم شماره ۲.

اقلیدس، طاهره. (۱۳۷۶). بررسی رابطه هسته کنترل با محیط خانواده. پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی دانشگاه شیراز.

البرزی، محبوبه. (۱۳۸۰). بررسی تحولی رشد خود در دوران نوجوانی و جوانی بر اساس تئوری لوینگر. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته روان‌شناسی تربیتی دانشگاه شیراز.

احمدی، حبیب. (۱۳۸۲). روان‌شناسی اجتماعی. انتشارات دانشگاه شیراز.

برک، لورا. ای. (۲۰۰۱). روان‌شناسی رشد. (ترجمه‌ی حمزه گنجی، ۱۳۸۲). چاپ اول، تهران: انتشارات آرسباران.

بیابانگرد، اسماعیل (۱۳۷۶) روش‌های افزایش عزت نفس در کودکان و نوجوانان (همراه با سه آزمون در مورد عزت نفس). تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان.

ترخان، مرتضی. (۱۳۷۲). بررسی رابطه بین موضع نظارت، عزت نفس و پشرفت تحصیلی در دانش‌آموزان تیز هوش و عادی. مجله استعدادهای درخشان. سال دوم شماره ۴.

جوکار، بهرام. (۱۳۷۹). چگونگی ادراک نوجوانان از همبستگی و اقتدار در خانواده‌ی واقعی و آرمانی. چهارمین سمینار سراسری بهداشت روانی و اختلالات رفتاری کودکان و نوجوانان. دانشگاه علوم پزشکی و خدمات درمانی استان زنجان. ۲۷-۲۹ مهرماه.

دوران، بهناز. (۱۳۸۲). «تأثیر بازی‌های رایانه‌ای- ویدیویی بر هویت». مجله‌ی علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد. جلد چهارم، شماره‌ی اول، ص ۱۹۷-۱۸۵.

رضویه، اصغر و سامانی، سیامک. (۱۳۷۹). «مقایسه‌ی همبستگی خانوادگی دختران و پسران به پدر و مادر». چهارمین سمینار بهداشت روانی و اختلالات رفتاری کودکان و نوجوانان. زنجان: دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی.

رحیمیان، حوریه بانو. (۱۳۷۷). نظریه‌ها و روش‌های روان‌درمانی، تهران، انتشارات مهرداد.

روحانی، فرشته (۱۳۵۹) رابطه خودپنداره و عوامل تشکیل دهنده آن با موفقیت تحصیلی. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده علوم تربیتی دانشگاه شیراز.

سامانی، سیامک و مزیدی، محمد. (۱۳۷۹). بررسی مقایسه‌ی دلبستگی عاطفی دختران و پسران نوجوان به پدر، مادر و دوستان. چهارمین سمینار سراسری بهداشت روانی و اختلالات رفتاری کودکان و نوجوانان. دانشگاه علوم پزشکی و خدمات درمانی زنجان. ۲۷-۲۹ مهرماه.

سهرابی، نادره و البرزی، شهلا. (۱۳۸۲). «بررسی ارتباط میان ابعاد هویت و عزت نفس در گروهی از نوجوانان دختر و پسر عادی و بزهکار در شهر شیراز». مجله‌ی علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد. جلد چهارم، شماره‌ی اول، ص ۴۶۴-۴۵۱.

سامانی، سیامک (۱۳۸۱). «مدل علی برای همبستگی خانوادگی، استقلال عاطفی و سازگاری». پایان‌نامه‌ی دکتری بخش روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه شیراز.

شاکری، شراره. (۱۳۸۲). «بررسی تأثیر میزان انعطاف‌پذیری خانواده بر بهداشت روانی دانش‌آموزان مقطع متوسطه شیراز». پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد در رشته‌ی مدیریت دولتی، دانشگاه شیراز.

شاملو، سعید. (۱۳۵۹). بهداشت روانی. تهران: انتشارات رشد.

شولتز، دوان و شولتز، سیدنی. الن. (۱۹۹۸). نظریه‌های شخصیت، (ترجمه‌ی یحیی سید محمدی، ۱۳۸۱). ویرایش دوم، تهران: نشر ویرایش.

لطف آبادی، حسین. (۱۳۷۸). روانشناسی رشد (نوجوانی، جوانی و بزرگسالی) جلد دوم تهران - سازمان مطالعه تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).

مشکی، مهدی. (۱۳۷۸). بررسی تأثیر آموزش مشکل‌گشایی بر خودپنداره نوجوانان پسر دبیرستان‌های گناباد. پایان‌نامه کارشناسی ارشد آموزش پرستاری.

ماسن، پاول هنری و دیگران. (۱۳۷۰). رشد و شخصیت کودک (ترجمه‌ی مهشید یاسایی)، تهران: نشر مرکز.

محسنی، نیکچهره. (۱۳۷۵). «ادراک خود از کودکی تا بزرگسالی؛ دیدگاهها، نظریه‌ها و کاربردهای تربیتی و درمانی». تهران: موسسه انتشارات بعثت.

وندز زندن، جیمز. (۱۹۹۶). روانشناسی رشد (ترجمه‌ی حمزه گنجی، ۱۳۷۶)، تهران: انتشارات بعثت.

یعقوبخانی غیاثوندی. (۱۳۷۲). رابطه بین محیط خانواده و پیشرفت تحصیلی. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شیراز.

هرگنجان، بی. آر. (۱۳۷۷). مقدمه‌ای بر نظریه های یادگیری. تهران نشر دوران.

ب) انگلیسی

Allen, J. P. (1994). "Longitudinal assessment of autonomy and relatedness of adolescence ego development and self-esteem." *Child Development*, Vol. 65, 179-194.

Bandura, A. (1997). "self-efficacy, The exercise of control." New York: Freeman.

Bandura, A. (1977). "social learning theory." Englewood cliffs, N.J; Prentice Hall.

Baumrind, D. (1991). "The influence of parenting style on adolescent competence and substance use." *Journal of Early Adolescence*, Vol. 11, 59-95.

Barnes, H. L., & Olson, D. H. (1985). "Parental adolescent communication and the circumplex model." *Child Development*, Vol. 56, 438-447.

Becher, T. E. (1992). "Foci and bases of commitment, Are they distinctions worth malign.", *academy of management Journal*, Vol, 35. P. 232-244.

Belsky, J., Steinberg, L., & Draper, P. (1991). "Childhood Experience, Interpersonal Development, And Reproductive Strategy: An Evolutionary Theory of Socialization". *Child Development*, 62, 647-670.

Bronfenbrenner, U. (1986). "Ecology of the Human -Cassidy, J. & Shover, P. R. (1999). *Handbook of Attachment Theory, Research , and Clinical Application. The Guilford Press. New York, Landan.*

- Bronfenbrenner, U. (1986). "Ecology of the Family as a Context for Human Development." *Developmental Psychology*, 22, 723-742.
- Byrns, B. M. & Shavelson, R. J. (1986). "On the Structure of Adolescent Self-Concept." *Journal of Educational Psychology*, Vol. 78, 474-481.
- Colman, J. M. and Faults, B.A.. (1982)." Self-Concept and the Gifted in Classroom: The Role of Socail Comaprison." *Gifted Child Quarterly*, Vol. 26, 116-120.
- Conrade,G.(2001). "Differential parenting styles for fathers' and mothersDefferential treatment for sons and daughters." *Journal of Youth andAdolescence*, Vol. 53, 29-35.
- Coopersmith, S. A..(1959)." Method for determinating types of self-esteem." *Journal of Abnormal and Social Psychology*, Vol. 59, 87-94.
- Cooper, J. E., Holman, J., and Braithwaite, V. A. (1983)." Self-esteem and family cohesion: the child's perspective and adjustment." *Journal of Marriage and Family*, February, 153-159.
- Darling, N. (1993)." Parenting style and its correlates. " *Psychological bulletin*, Vol.113, 482-492.
- Eccles, I. S, Jacob, J.E, & Harold, R. D.(1990).Gender role stereotypes, Expectancy effects and parents, Socialization of gender differences." *Journal of Social Issues*, Vol. 46, 183- 201.
- Elisabeth, E , Aspaas, S & Louise,V . lippie.(1998). "personality development in adolescence a cross national and life span perspective."
- Epstein, L. H, Mac curley. J, Wing, R. R. & Valoski. A.. (1990). "Five-year follow-up of family-based treatments for childhood obesity." *Journal of counseling and clinical psychology* , Vol. 58, 661-664.
- Freeman, G. & Sullivan, K.(2003)." Effects of creative drama on self concept, social skills." *journal of educational research*, Vol. 3, 133-138.

Gage, N. L. & Berliner, D. C. (1975). "Educational psychology, Chicago:" *rand mcnally college publishing co.*

Gecas, V. (1968). "The motivational significance of self-concept for socialization theory." In E.J. Lawler (Ed), *Advance in Group Processes*: 131-156.

Glenys, C. & Robert ho. (2001). "Differential parenting styles for fathers & mothers, Differential treatment for sons and daughters." *Australian Journal of Psychology*, vol .53, 29-35.

Hamachek, D. (1987). "A history of humanistic psychology." An J.A Glover browning (Eds), *historical foundation of educational psychology*, New York, plenum.

Harter, S. (1982). "The perceived competence scale for children." *Child Development*, Vol. 23, 87-97.

Hoare. P, Elton. R, Greer. A & Herley. S. (1993). "The modification and standardization of European." *child and adolescent psychiatry*, Vol, 2, P. 19-33.

Hoge, R. D. and Mcsheffrey, R. (1991). "An invstigation of self-concept in gifted children in enrichment programs." *Journal for The Education of The Gifted*, Vol. 13, 380-387.

James, W. (1892). "Psychology: The psychology of sex difference." , *Stanford university press.*

Ketsetzis, M. , Ryan, B. A. , and Adams, G. R. (1998). "Family processes, parent-child interactions, and child characteristics influencing school social adjustment." *Journal of Marriage and Family*, May 60, 374-387.

Klein, D. M, & White, G.M. (1996). "Family theories: an interoduction." *sage.*

Lando, E.D. (1972). Child development through literature. chapter of self concept.

Lingren, H. g.(2003)."Creating Sustainable Families. published by cooperative extension institute of Agriculture and natural resources". university of Nebraska-Lincoln. available by internet: www.ianr.unl.edu/pubs/family/g1269.htm>.[1383].[online].<http:

Lopez, D. & Carmen, M. (2001). Self concept and gender in Spanish low- vision adolescence. *Visual impairment research*. Vol. 3, 7-16.

Mendaglio, S. & Pyryt, M. C. (1995)." Self-concept of gifted students assessment- Based investigation." *Teachiing Exceptional Children*, Vol.27,40-45.

Milgram, R. M, & Milgram, N.A..(1967)." Personality characteristics of gifted children. *The Journal of Genetic Psychology*, vol. 29, 185-194

Noack, P., Kerr, M., and Olah, A.. (1999). "Family relations in adolescence." *Journal of Adolescence*, 22, 713-717.

Olson, D. H, (1999)." Circumplex model of marital & family systems." Available by internet [online].<http: [ww.lifeinnovations.com](http://www.lifeinnovations.com)>[1383].

Paterson, J. E. , Field, L, & Pryor, G. (1994)." Adolescents perception of their attach ment relationships with their mothers, Father, and friends." *Journal of Youth and Adolescent*, Vol. 23, 549-600.

Pyryt, M. S, & Mendaglio, S. (1994)." The multidimensional self-concept: a comparison of gifted and avrege ability adolescents." *Journal for the Education of the Gifted*, Vol. 17, 299-305.

Samani, S. (2002). "Family choesion, peer cohesion and emotional autonomy," paper presented to the xxv international congress of appliedp psychologyin, Singapore 7-12 tuly.

Samani, S .(2004)."Developing a family cohesion scale for Iranian adolescents". presented in 28th international congress of psychology.Aug 8-13, Beijing. china.

Sigelman, K. & Shaffer R .(1995). "Life spane human development".

Second Edition. Brooks Cole- Publishing Company.

Slogoski, B. R, Marcia, J. E & Koop man, R. (1984). "Cognitive and social international characteristics of ego identity status in college males". *Journal of Personality and Social Psychology*, vol. 47, 646-661.

Schneider, B. H. Cloyg, M. R, Bryne, B. M, Landingham, J. E & cronbie, E.(1986). " Social Relations of Gifted as a function of age and school program". *Journal of Educational Psychology*, Vol. 51,48-55.

Tong, J. & Yewchuk, C. (1996). "Self- concept and sex – role orientation in gifted high school students." *Gifted Child Quarterly*. 40(1).

Von Der Lippe, A .L. (1999). "Family factors in the ego development of adolescent girls." *Journal of youth and adolescence*, Vol. 29, 373-392.

Wylie, R. C. (1974). "The self-concept, Vol. !, Areview of methodological considerations and measurement instruments," *Lincoln: university of Nebraska press*.

ضمائم

ضمیمه‌ی شماره ۱: «پرسش‌نامه‌ی خودپنداره»

در زیر جمله‌هایی را می‌بینید هر یک از آنها نشان می‌دهند که برداشت شما از فکر دیگران درمورد خودتان چگونه است. لطفاً پس از خواندن هر جمله میزان موافقت خود را با قرار دادن (*) در زیر گزینه‌ها مشخص نمایید:

ردیف	سؤالات
۱	احساسم این است که مادرم فکر می‌کند من باهوش هستم
۲	احساسم این است که پدرم فکر می‌کند من با مردم برخورد خوبی دارم
۳	احساسم این است که معلم محبوبم فکر می‌کند من دارای توانمندیهای ورزشی هستم
۴	احساسم این است که بهترین دوستم فکر می‌کند که من آدم خوبی هستم
۵	احساسم این است که پدرم فکر می‌کند دارای توانمندیهای ورزشی هستم
۶	احساسم این است که معلم محبوبم فکر می‌کند من آدم خوبی هستم
۷	احساسم این است که بهترین دوستم فکر می‌کند که من باهوش هستم
۸	احساسم این است که مادرم فکر می‌کند با مردم برخورد خوبی دارم
۹	احساسم این است که معلم محبوبم فکر می‌کند با مردم برخورد خوبی دارم
۱۰	احساسم این است که بهترین دوستم فکر می‌کند من دارای توانمندیهای ورزشی هستم
۱۱	احساسم این است که مادرم فکر می‌کند آدم خوبی هستم
۱۲	احساسم این است که پدرم فکر می‌کند من باهوش هستم
۱۳	احساسم این است که بهترین دوستم فکر میکند با مردم برخورد خوبی دارم
۱۴	احساسم این است که مادرم فکر میکند من دارای توانمندیهای ورزشی هستم
۱۵	احساسم این است که پدرم فکر می‌کند آدم خوبی هستم
۱۶	احساسم این است که معلم محبوبم فکر می‌کند من آدم باهوشی هستم

در زیر جمله‌هایی می‌بینید که این جملات نقطه نظر شما را توصیف می‌کند لطفاً هر جمله را خوانده و میزان موافقت خود را با قرار دادن (*) در زیر هر یک از گزینه‌ها نشان دهید.

ردیف	سؤال
۱	من از بچه‌های هم سن و سال خودم باهوشتر هستم
۲	من با مردم بهتر از اکثر بچه‌های هم سن و سال خودم برخورد می‌کنم
۳	من از بچه‌های هم سن و سال خودم دارای توانمندیهای ورزشی بیشتری هستم
۴	من از بچه‌های هم سن و سال خودم احساس بهتری نسبت به خودم دارم
۵	من تکلیف تحصیلی دشواری را به انجام رسانیده‌ام
۶	من قدرت رهبری ام را نشان دادم
۷	من یک هدف ورزشی را به انجام رسانیده‌ام
۸	من به خودم اثبات کرده‌ام که فرد خوبی هستم

لطفاً به سؤالات زیر پاسخ دهید: (هر چند مورد را علامت بزنید).

(پدر، مادر، بهترین دوستم، معلم محبوبم)

کدامیک از افراد بالا در زمینه عملکرد تحصیلی بیشتر مشوق شما بوده است.
کدامیک از افراد بالا در زمینه تمایل و برخورد با دیگران بیشتر مشوق شما بوده است.
کدامیک از افراد بالا در زمینه فعالیتهای ورزشی بیشتر مشوق شما بوده است.
کدامیک از افراد بالا در زمینه داشتن احساس خوب نسبت به خودتان مشوق شما بوده است.

پیشرفت در کدامیک از زمینه ها برای شما اهمیت بیشتری دارد براساس معیار زیر هر کدام از آنها را درجه بندی کنید :

زمینه ها	درجه	خیلی مهم=۳
..... عملکرد تحصیلی	مهم=۲
..... تعامل و برخورد با دیگران	بی اهمیت=۱
..... فعالیتهای	

ورزشی
رشد احساسات خوب و مثبت نسبت به خود میزان اهمیت نظر افراد زیر را در مورد خود بر اساس معیار زیر درجه بندی کنید

افراد	درجه	خیلی مهم=۳
پدر	مهم=۲
مادر	بی اهمیت=۱
	 بهترین دوست
	 معلم مورد علاقه

ضمیمه‌ی شماره ۲: «پرسش‌نامه‌ی انعطاف‌پذیری مثبت»

- ۱- آنچه در خانه اجراء می‌شود دستورات والدینم است.
- ۲- ای کاش من هم در منزل از قدرتی برخوردار بودم.
- ۳- به راحتی می‌توانم در منزل، درباره‌ی موضوعات مختلف اظهارنظر کنم.
- ۴- اگر نظری مخالف نظر والدینم بیان کنم آن‌ها به شدت ناراحت می‌شوند.
- ۵- در منزل ما تمامی کارها مطابق قاعده و قانون انجام می‌شود.
- ۶- ما فرزندان نیز اجازه داریم مطابق میل شخصی رفتار کنیم.
- ۷- اغلب اوقات، والدینم برای شنیدن حرفهایم آمادگی دارند.
- ۸- عقاید و نظریات ما اغلب به صورت جمله‌ای کوتاه، بیان می‌شوند.
- ۹- اعضای خانواده‌ی ما کمتر می‌توانند حرف‌ها و عقاید هم‌دیگر را تحمل کنند.
- ۱۰- در تصمیمات خانوادگی همه‌ی افراد حق اظهارنظر دارند.
- ۱۱- آرزو دارم فرد مستقلی باشم تا بتوانم شخصاً تصمیم‌گیری کنم.
- ۱۲- در خانه‌ی ما هر کس فقط وظایف خودش را انجام می‌دهد.
- ۱۳- هنگامی که با کمبود وقت مواجه می‌شوم والدینم در انجام وظایفم به من کمک می‌کنند.
- ۱۴- در منزل ما نقش و وظیفه‌ی هر کس مشخص است.
- ۱۵- از این که در خانواده همه به هم کمک می‌کنند، خوشحال هستم.
- ۱۶- برخی از اعضای خانواده (مانند پدر و مادر و غیره)، از اینکه کسی در کارها با آنها همکاری نمی‌کند، گله‌مند هستند.

ضمیمه‌ی شماره ۳: «پرسش‌نامه‌ی انسجام خانواده»

- ۱- مادرم، رابطه‌ی سخت‌گیرانه‌ای با من دارد.
- ۲- پدرم، رابطه‌ی سخت‌گیرانه‌ای با من دارد.
- ۳- در تصمیم‌گیری‌ها، همیشه با مادرم مشورت می‌کنم.
- ۴- در تصمیم‌گیری‌ها، همیشه با مادرم مشورت می‌کنم.
- ۵- من و مادرم احساسات هم‌دیگر را کاملاً درک می‌کنیم.
- ۶- من و پدرم احساسات هم‌دیگر را کاملاً درک می‌کنیم.
- ۷- دوست دارم کارها را بدون کمک والدینم انجام دهم.
- ۸- من و پدرم وقت زیادی را با هم‌دیگر می‌گذرانیم.
- ۹- من و مادرم وقت زیادی را با هم‌دیگر می‌گذرانیم.
- ۱۰- من با پدرم رابطه‌ی نزدیکی دارم.
- ۱۱- من با مادرم رابطه‌ی نزدیکی دارم.
- ۱۲- دوست دارم در کنار والدینم باشم.
- ۱۳- وقت کمی را با مادرم می‌گذرانم.
- ۱۴- وقت کمی را با پدرم می‌گذرانم.
- ۱۵- من و مادرم نمی‌توانیم احساسات یک‌دیگر را درک کنیم.
- ۱۶- من و پدرم نمی‌توانیم احساسات یک‌دیگر را درک کنیم.
- ۱۷- با مادرم خیلی صحبت می‌کنم.
- ۱۸- با پدرم خیلی صحبت می‌کنم.
- ۱۹- من و مادرم علاقه‌منی‌هی مشترکی داریم.
- ۲۰- من و پدرم علاقه‌منی‌هی مشترکی داریم.
- ۲۱- با مادرم احساس دوستی و صداقت می‌کنم.
- ۲۲- با پدرم احساس دوستی و صداقت می‌کنم.
- ۲۳- همیشه خودم به‌تنهایی و بدون مشورت والدینم تصمیم‌گیری می‌کنم.
- ۲۴- پدر و مادرم هم‌دیگر را کاملاً درک می‌کنند.
- ۲۵- دوست دارم جدا از والدینم زندگی کنم.

۲۶- پدر و مادرم زیاد به هم‌دیگر نزدیک نیستند.

۲۷- من به مادرم خیلی وابسته هستم.

۲۸- من به پدرم خیلی وابسته هستم